



تدریس دموکراسے



تدریس دموکراسی



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده آنلایین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

تدریس دموکراسی

آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

© E-Collaborative for Civic Education 2021

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

فهرست

۹	پیش گفتار
۱۱	بخش نخست
۱۱	دمو کراسی: مفهومی گسترده
۱۲	چرا آموزش دمو کراسی مهم است؟
۱۲	حقوق اقلیت
۱۳	منافع شخصی و منافع جمعی
۱۳	تمرین دمو کراسی
۱۴	فرصت های آموزشی
۱۶	بخش دوم
۱۶	آموزش نوجوانان
۱۷	دمو کراسی به عنوان یک سرفصل
۱۸	برنامه ریزی
۱۹	روش های تدریس مبتنی بر دمو کراسی
۲۱	بخش سوم
۲۱	کتاب درسی
۲۵	تمرین انتخابات
۲۸	بخش چهارم
۲۸	کلاس دمو کراتیک

۲۹	فراگیری فعال
۳۰	منابع یادگیری متعدد
۳۰	تغییر مفاهیم
۳۱	مشارکت و تضاد منافع
۳۳	بخش پنجم
۳۳	کتاب مطالعات اجتماعی، پایه هشتم، مقدمه
۳۴	ایدئولوژی و دموکراسی
۳۴	چند قالب پیشنهادی برای انجام تمرین های مرتبط با تدریس دموکراسی
۳۵	تمرین برای به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی
۳۶	تمرین
۳۶	کتاب مطالعات اجتماعی، پایه هشتم، فصل ششم
۳۸	بخش ششم
۳۹	شیوه های یادگیری متفاوت در افراد متفاوت
۴۰	نیازهای ویژه
۴۰	فراگیری گروهی
۴۲	فراگیری گروهی به شیوه دموکراتیک
۴۴	بخش هفتم
۴۵	تضاد منافع
۴۷	آسیب های روحی (تراما)
۴۹	بخش هشتم
۴۹	مرور دوره تدریس دموکراسی
۵۴	منابع

پیش‌گفتار

درس‌نامه «تدریس دموکراسی» متن دوره‌ای آموزشی با همین نام است که در پیوند با دو دوره «دموکراسی در کلاس درس» و «حمایت از آموزش لیبرال برای ایران»، در مجموعه «دموکراسی و آموزش» طراحی شده است. این دوره بنا دارد تا با مخاطب قراردادن معلمان دبیرستان، نگاهی به فرصت‌های بالقوه‌ای بیندازد که در کلاس‌های درس دبیرستان وجود دارد تا مباحث مربوط به دموکراسی را، که در کتاب‌های درسی آموزش داده نشده، به داخل کلاس‌ها بیاورند و دانش‌آموزان را نه تنها با آن‌ها آشنا کنند، بلکه در تعامل با دموکراسی و تمرین آن قرار دهند.

در طراحی این دوره، مطالب و آموزه‌های «مرکز آموزش مدنی» منبع و مرجع قرار گرفته است. علاوه بر این منبع، مطالبی از خود وبسایت آموزشکده توانا و همچنین تحقیقات و مطالعات دانشگاهی معاصر هم در طراحی این دوره به کار گرفته شده است.

بخش نخست

در این بخش برای این که نمونه‌ای از تعریف دموکراسی در ذهن یک نوجوان به مخاطب ارائه شود، از نتیجه یک مطالعه دانشگاهی استفاده شده که سال ۲۰۱۵ منتشر شده است و طی آن، سه محقق با چهل دانش آموز نوجوان ۱۳ تا ۱۵ سال هلندی مصاحبه کرده‌اند. همچنین از مطالب ژورنال «مطالعات اجتماعی» دانشگاه آلبرتای کانادا هم در طراحی این دوره بهره گرفته شده است. به کارگرفتن این ژورنال به این دلیل است که کانادا از نظر تنوع و گوناگونی فرهنگی درون جامعه تا حدی به ایران شباهت دارد و تأکیدی که قوانین کانادا بر اهمیت سنت‌های فردی و ملی دارند، تا حدی می‌تواند مورد استفاده ما هم قرار بگیرد.

دموکراسی: مفهومی گسترده

دموکراسی مفهومی است که از عناصر متعددی شکل گرفته و هر کدام از این عناصر را می‌شود به طور مفصل تحلیل کرد و در آموزش به کار برد. تمرکز این دوره روی برخی از این عناصر است تا هم از طولانی شدن بیش از حد مطالب خودداری شود و هم عناصر انتخاب شده را با عمق و جزئیات بیش تر به معلمان آموزش دهد. هدف از این دوره ترویج «تکثرگرایی» در کلاس درس از طریق آموزش در کلاس درس است. تأکید ما بر این است که دموکراسی فرآیندی بسیار پیچیده و با تعاریف بسیار گوناگون است که گنجاندن همه آن تعاریف و پرداختن به آن‌ها از حوصله یکی دو دوره خارج خواهد بود و بحث‌های مربوط به این موضوع بسیار تخصصی است. معنی مد نظر این دوره از

دموکراسی، مفهوم عام آن است. اگرچه معلمان مقطع دبیرستان مخاطب این دوره قرار گرفته‌اند، اما همه - به‌ویژه کسانی که به‌طور مستقیم درگیر آموزش کودکان و نوجوانان و حتی دانشجویان هستند - می‌توانند از مطالب این دوره در کار و آموزششان بهره بگیرند تا فرزندان ایران را با مقوله دموکراسی بیش‌تر آشنا کنند و از آن مهم‌تر، فرصتی عملی برای تمرین این آموزه‌ها در اختیارشان قرار دهند.

چرا آموزش دموکراسی مهم است؟

این پرسش، پرسش بسیار مهمی است. تلاش دو دوره «دموکراسی در کلاس درس» و «حمایت از آموزش لیبرال برای ایران» این بود که به این پرسش مهم پردازد و آن را پاسخ دهد. این دوره نیز قصد دارد روی این نکته کلیدی تأکید کند که رفتار دموکراتیک، نیاز به نهادینه‌شدن در ذهن شهروندان دارد. تنها در صورت نهادینه‌شدن این آموزه‌ها و تبدیل آن به اصول اخلاقی و رفتاری است که جامعه می‌تواند به شکل جمعی از انحراف دموکراسی در امان باشد و در صورت انحراف هم به شکلی مناسب و در کوتاه‌مدت، خود را به معیارهای منطبق بر اصول دموکراسی برگرداند.

مثال بسیار مشهود، تعهد به کثیف‌نکردن سطح شهر است. زمانی که این تعهد تبدیل به یک اصل رفتاری شده و در ذهن شهروندان نهادینه شود، حتی اگر سطل زباله در دسترس آن‌ها نباشد، زباله را در خیابان نمی‌اندازند و البته همزمان با آن مسئولیت اجتماعی ملزم کردن نهادهای مرتبط برای گذاشتن سطل زباله در سطح شهر را هم پیش می‌گیرند. این یک مثال بسیار ساده است که می‌شود به اقدامات اجتماعی و حتی سیاسی دیگر هم آن را تعمیم داد.

حقوق اقلیت

به‌گواه تحقیقات بسیاری که انجام گرفته، تعهد و نهادینه‌شدن، زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که در سنین پایین و پیش از اعطای مسئولیت جدی به شهروندان، به آن‌ها آموزش داده شود. نتایج مطالعه تحقیقاتی که روی جمعیتی از نوجوانان در کشور هلند انجام شده است، نشان می‌دهد که نوجوانان در کی محدود و به اصطلاح تک‌بعدی از دموکراسی دارند و دموکراسی را تنها حکومت اکثریت می‌دانند. در صورتی که دموکراسی به معنای صرفاً حکومت اکثریت و عدم در نظر گرفتن منافع گروه‌های اقلیت، خود نوعی استبداد را به وجود می‌آورد. همین موضوع نشان می‌دهد که ضرورت آشنایی نوجوانان، نه فقط با حکومت اکثریت بلکه با عناصر دیگر دموکراسی، چقدر اهمیت دارد و ضروری است.

این ضرورت البته در کشوری چون ایران، که صرف همین حکومت اکثریت هم در آن عملی نمی‌شود، بسیار پررنگ است چرا که در شرایطی که حتی همین حکومت اکثریت هم وجود ندارد، ممکن است بسیاری از اعضای جامعه - و بالطبع نوجوانان - فکر کنند که دموکراسی فقط حکومت اکثریت است. در ادامه دو دوره دیگر، این دوره درباره حقوق اقلیت و اهمیت آموزش مفاهیم مربوط به آن با دانش آموزان صحبت می‌کند و تمرین‌هایی را هم به معلمان همراه آموزش‌شده توانا پیشنهاد ارائه می‌کند.

منافع شخصی و منافع جمعی

این که لزوماً همه اعضای جامعه به منافع بقیه نمی‌اندیشند، واقعیتی است که حتی مطالعات دانشگاهی هم آن را ثابت کرده است. بر اساس مطالعه‌ای که در هلند انجام گرفته است، از ۴۰ نوجوان، پنج نفر فقط به منافع فردی خود فکر می‌کردند. این یعنی ۵/۱۲ درصد. ۵/۱۲ درصد عدد کوچکی نیست. این عدد حتی می‌تواند در نظام‌های دموکراتیک تصمیمی را لغو کند و تصمیم دیگری را برنده کند. همین واقعیت، نشان از اهمیت و ضرورت آموزش دموکراسی به دانش آموزان و آشنا کردن نوجوانان با در نظر گرفتن منافع دیگران دارد. شاید بتوانیم فرض کنیم که در نظام آموزشی جمهوری اسلامی، که آموزش دموکراسی در تعالیم آن جایی ندارد، عدد ۵/۱۲ درصد بزرگ‌تر نیز هست.

تمرین دموکراسی

تمرین دموکراسی که در دوره‌های توانا به آن تکیه شده و می‌شود، عبارت است از تمرین‌هایی که به دانش آموزان نشان دهد که مشارکت در تصمیم‌گیری برای اتخاذ یک تصمیم درست، چقدر ضروری است. همچنین به آن‌ها بیاموزد که باید صدای یکدیگر، به ویژه صداهایی که تریبونی ندارند، را فعالانه و آگاهانه بشنوند و به آن فکر کنند و در تصمیم‌گیری خود آن را لحاظ کنند.

طراحان این دوره‌های توانا به این فکر می‌کنند که در شرایط کنونی ایران، چقدر اهمیت دارد که دموکراسی در همه ابعاد خود - و نه فقط به معنای اجرایی کردن «حکومت اکثریت طی انتخابات» - به نوجوانان آموزش داده شود تا در آینده جامعه‌ای که نوجوانان امروز سازنده آن هستند، روی بستر دموکراتیکی بنا شود که به اندازه همه اعضای جامعه، چه اقلیت و چه اکثریت، گسترده باشد و برای همگان گنجایش داشته باشد و در ضمن گرایش آن به سمتی باشد که کسی از دسترسی به منابع موجود محروم نماند.

فرصت‌های آموزشی

ژورنال مطالعات اجتماعی دانشگاه آلبرتای کانادا، برخی از فرصت‌های آموزش دموکراسی برای دانش‌آموزان را به این شرح عنوان می‌کند:

- ارزش دادن به تنوع هویتی، احترام گذاشتن به کرامت انسانی و حمایت از برابری اعضای جامعه
- اهمیت دادن به عدالت و انصاف اجتماعی و همفکری با اجتماع و دلسوزی برای آن
- درک اهمیت وجود زاویه دیدهای گوناگون در جامعه
- احترام به سنت‌ها و نمادهایی که در عین تعلق به گروهی خاص، نماینده ملیت هم هستند
- احترام به هویت‌های فردی و گروهی و پذیرش هویت «دیگری» به عنوان بخشی از جامعه ملی
- آگاهی از مشکلات جهانی و احترام به انسان‌های دیگر جوامع
- اشراف به اینکه منابع طبیعی، محدود و پایان‌پذیرند و تعهدداشتن به اصول توسعه پایدار

اهمیت دادن به فراگرفتن و آموزش در تمامی سنین و ایجاد فرصت‌های شغلی حوزه‌های علوم و مطالعات اجتماعی

ما هم بر اساس همین اصول و مفاهیم و تمرین‌ها، این دوره را تعریف می‌کنیم و در تلاش هستیم که این مفاهیم را با توجه به وضعیت نظام آموزش و پرورش کنونی و جامعه ایران شرح دهیم. جامعه ایران همانند جامعه کانادا از تنوع هویتی تشکیل شده است، البته نه دقیقاً به همان شکل. در کانادا به جز جمعیت بومی کانادا، که هزاران سال در این سرزمین زندگی می‌کردند، بقیه جمعیت را اشغالگران اولیه و بعد از آن مهاجران تشکیل داده‌اند. اما در ایران، تکثر هویتی را اقوام متفاوت تشکیل داده‌اند و البته در دهه‌های اخیر، پناهجویان و مهاجران هم به این تکثر افزوده شده‌اند. این تکثر که در بعضی مناطق تبدیل به اختلاف شده است و همچنان می‌شود، در قسمتی از این دوره، مورد بحث قرار خواهد گرفت. هدف از این بحث‌ها هم این است که بتوانیم این تکثر را در قسمت‌هایی که تبدیل به اختلاف منافع می‌شوند، به شکلی جدید تحلیل کنیم و نقاط اشتراک آن‌ها را به نمایش بگذاریم. لازم به توضیح است که این تحلیل جدید با هدف به کاررفتن در کلاس درس انجام خواهد شد، نه به عنوان یک کنش سیاسی.

تاکید این دوره کماکان بر استفاده از مهارت «تفکر انتقادی» خواهد بود. به این دلیل

که این مهارت یکی از مهارت‌های اساسی در زمینه آموزش دموکراسی در معنای وسیع آن است. همان‌طور که در دوره‌های پیشین هم عنوان شد، همین مهارت تفکر انتقادی است که ما را در انتخاب گزینه‌هایی فراتر از گزینه‌های موجود کمک می‌کند. همین مهارت است که باعث می‌شود اعضای جامعه صرفاً به انتخاب اکثریت بسنده نکنند و عدالت اجتماعی را با تمام فرصت‌ها و چالش‌ها هدف قرار دهند. چارچوب طراحی این دوره بر این اساس است که در بخش‌های دوم، چهارم و ششم، مفاهیم و مطالعات بررسی خواهند شد و مخاطبان را با تمرین‌هایی آشنا خواهد کرد که در نظام‌های آموزش جوامع دموکراتیک جریان دارد. در بخش‌های سوم، پنجم و هفتم نیز به بررسی برخی کتاب‌های درسی در نظام کنونی آموزش و پرورش خواهیم پرداخت و مفاهیم و تمرین‌ها را با مطالعه آن کتاب‌ها بررسی خواهیم کرد.

بخش دوم

در این بخش راجع به «هدف تدریس دموکراسی» صحبت خواهیم کرد. همین طور درباره مفاهیمی که معلم می‌تواند با وجود محدودیت‌های موجود در نظام آموزشی جمهوری اسلامی و فضای امنیتی حاکم بر آن، در کلاس درس مطرح کند. مورد دیگری که این بخش به آن می‌پردازد، این است که معلم مراقب باشد خود این مفاهیم و تمرین‌ها، وسیله‌ای برای باز تولید سرکوب یا تبعیض نشود.

آموزش نوجوانان

آموزش به نوجوانان، یعنی دانش‌آموزان دبیرستان، چه ویژگی‌هایی دارد و تفاوت‌های آن با آموزش به کودکان چیست؟

چند ویژگی را در آموزش نوجوانان بررسی کنیم:

- نوجوان در پی یافتن هویت خود است
- نوجوان برای رفع نیازها و توقعات آموزشی، نیاز به برخی فعالیت‌ها دارد
- اگر دانش‌آموز نوجوان مطالب آموزشی را کسالت‌بار ببیند یا دیگر آن مطالب توجهش را جلب نکند، از فراگیری آن مطلب سر باز می‌زند
- نوجوان در عین نیاز به استقلال، نیاز به کمک و راهنمایی معلم و باز خورد گرفتن از آن دارد
- کلاس درس تنها منبع تعلیم دیدن یک نوجوان نیست. تجربه شخصی، جامعه اطراف و گروهی که به آن تعلق دارد و همچنین اینترنت، منابعی هستند که نوجوان از طریق آن آموزش می‌بیند

- نوجوان می‌بایست بین مطالب آموزشی و علائق و توقعات خود ارتباط معنادار پیدا کند
- نوجوان توانایی درک مسائل انتزاعی و انجام فعالیت‌های چالش‌برانگیز را دارد
- ابتکار عمل نوجوان، زمانی پدیدار می‌شود که او با محتوای مطالب درسی، ارتباط معنادار پیدا کند

تمامی این ویژگی‌ها، کار تدریس را کاری چالش‌برانگیز می‌کند و این چیزی نیست که نیازی به یادآوری داشته باشد.

در نظام آموزشی که بر اساس یک ایدئولوژی بنا شده و انسان‌ها در آن به دسته‌های «خودی» و «غیرخودی» تقسیم می‌شوند، ویژگی‌هایی چون یافتن هویت، نیاز به استقلال در عین نیاز به راهنمایی و در اختیار داشتن منابع متفاوت برای تعلیم‌دیدن، کار آموزش را چالش‌برانگیزتر از آن چیزی که هست می‌کند. به این دلیل که گویا نظام آموزش دارد به طور مستقیم و غیرمستقیم همواره به دانش‌آموز یادآوری می‌کند که این دسته‌بندی‌ها وجود دارند و اگر در دسته‌بندی خودی قرار نگیرد، در دسته غیرخودی‌ها خواهد بود یا اینکه حتی ممکن است نوجوان اساساً کار دسته‌بندی و خودی و غیرخودی‌دیدن را، کاری طبیعی بداند و در دوران تحصیل در مدرسه و دانشگاه و در مقیاس بزرگ‌تر، پس از تحصیل، اعضای جامعه خود و جوامع دیگر را دشمن یا خودی بداند. نباید فراموش کنیم نوجوانی که تشنه یافتن هویت است بهتر است که تشنگی‌اش را با منابع سالم برطرف کند.

دموکراسی به عنوان یک سرفصل

در تدریس دموکراسی، دموکراسی را هم یک سرفصل در نظر می‌گیریم و هم یک شیوه در تدریس. بنابراین خروجی هردوی این‌ها، آشنا کردن دانش‌آموزان با دموکراسی و روش‌های دموکراتیک زندگی است. به این معنا که مفاهیم دموکراسی را به دانش‌آموز می‌آموزیم و در عین حال به آن‌ها تعلیم می‌دهیم که در عرصه عمل و فراتر از مفاهیم، چگونه باید با دموکراسی در تعامل باشند و منافع حاصل از آن را نه تنها یاد بگیرند، بلکه برای تجربه کردن آن نیز تلاش کنند.

اما همان‌طور که در دو دوره دیگر عنوان شد، نظام آموزش و پرورش کنونی در ایران توسط نظام حکومتی طراحی و اداره می‌شود که با دموکراسی تضاد منافع دارد. یعنی نه تنها از دموکراسی فاصله دارد، بلکه مانع ایجاد دموکراسی نیز می‌شود. در نتیجه برای دور نگه داشتن آموزش کودکان و نوجوانان از دموکراسی، حساسیت ویژه‌ای دارد. البته این موضوع، نکته جدیدی نیست و یادآوری دوباره آن برای این است که فراموش نکنیم

آموزش مفاهیم مرتبط با دموکراسی در تئوری کار ساده و بی‌خطری نیست. به همین دلیل مشخصاً این سه دوره توانا، یعنی «دموکراسی در کلاس درس» و «حمایت از آموزش لیبرال برای ایران» و همین دوره «تدریس دموکراسی»، تأکید زیادی بر اداره کلاس به شیوه دموکراتیک دارند. چون صحبت مستقیم درباره این مفاهیم ممکن است معلم را در شرایط بازخواست یا تنبیه قرار دهد. این واقعیتی است که این دوره سعی کرده در مبحث برنامه‌ریزی، از یاد نبرد.

برای این که مفاهیم این دوره با اصول برنامه‌ریزی درسی منتشر شده در توانا - در کتاب «آموزش مدرسان» - منطبق بماند و در عین حال امنیت معلمان را در نظر گرفته باشد، تدریس دموکراسی را بیش‌تر در بخش فعالیت‌های مرتبط درسی و فعالیت‌های انرژی‌بخش، امکان‌پذیر می‌دانیم. تمرین‌های کلاسی مطرح‌شده در درس، بخش مهم دیگری است که معلم می‌تواند طی آن، دانش‌آموزان را در تعامل با مفاهیم دموکراسی قرار دهد. همین‌طور زمانی که قرار است دانش‌آموزان به صورت گروهی یا حتی انفرادی مطالب را ارائه کنند، معلم می‌تواند دانش‌آموزان را در موقعیت گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر قرار دهد. شاید این مطالب بسیار کلی به نظر برسد، اما ما در بخش‌های سوم، پنجم و هفتم، آن‌ها را با توجه به مطالبی که در منابع آموزشی هست، به عنوان نمونه ارائه خواهیم کرد.

برنامه‌ریزی

کتاب «آموزش مدرسان» در بخش مراحل آماده کردن یک برنامه درسی، عنوان می‌کند که معلم می‌بایست مشخص کند که دانش‌آموزان قرار است چه چیزهایی را در طول کلاس یاد بگیرند. اما شاید برای تدریس دموکراسی، نشود صددرصد مطابق برنامه پیش رفت. یعنی این که شرایط در هر لحظه می‌تواند متفاوت باشد و همین تفاوت کار را کمی دشوار می‌کند. تا زمانی که شرایط به معلم اجازه ندهد که دموکراسی را به عنوان یک سرفصل وارد مطالب آموزشی کند، معلم در کلاس درس می‌بایست تلاش کند که همواره لحظه‌های مناسب برای اعمال آموزش دموکراسی را شناسایی کند.

یکی از تفاوت‌های مقطع دبیرستان با دوره دبستان، داشتن معلمان جداگانه برای هر یک از دروس است. برخی از دروس مثل شیمی یا فیزیک نیز ممکن است نامرتبط به تدریس دموکراسی به نظر بیایند، اما در همین دروس نیز از طریق روش‌های تدریس و مشارکت منطبق بر دموکراسی، می‌توان دانش‌آموزان را با دموکراسی در تعامل قرار داد.

روش‌های تدریس مبتنی بر دموکراسی

پیش از آن که به برخی از استراتژی‌های تدریس دموکراسی و قراردادن دانش‌آموزان در تعامل با آن پردازیم، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که چرا این موضوع مهم است که معلم معتقد به دموکراسی، روش‌های تدریس خود را بر دموکراسی مبتنی کند؟

آنچه کودکان و نوجوانان می‌آموزند، نه حرف‌ها و مطالبی است که در کلاس یا خانه عنوان می‌شود، بلکه آن چیزی است که بزرگ‌ترهای مسئول محیط آموزشی به آن پایبند هستند و به اصول آن عمل می‌کنند. این یعنی در آموزش دموکراسی، برای این که به دانش‌آموز معنای واقعی دموکراسی را بیاموزد، معلم می‌بایست شیوه‌های تدریسش را منطبق با اصول دموکراسی تعریف کند و بر همان اساس نیز عمل کند.

دوره دموکراسی در کلاس درس، چند استراتژی برای معلمان دوره دبستان را به عنوان مثال آورده است تا با انجام آن‌ها بتوانند دانش‌آموزان را با مفاهیم مرتبط با دموکراسی آشنا کنند. فراموش نکنیم که اهمیت صحبت از مفاهیم، در زمان حاضر و شرایط کنونی ایران بسیار مهم است، به این دلیل که در بیش تر مواقع، شاید معلمان نتوانند با احساس امنیت و به طور مستقیم راجع به دموکراسی صحبت کنند.

در دبیرستان، بنا بر ویژگی‌هایی که در نوجوانان شمردیم، معلم می‌تواند کمی فراتر از تمرین‌های دوره دبستان پیش برود و دانش‌آموزان را در تعامل بیش تر با مفاهیم مرتبط با دموکراسی قرار دهد.

اینجا مثال‌هایی از چند فرصت برای درگیر کردن دانش‌آموزان با مفاهیم مرتبط با دموکراسی می‌آوریم و دوباره یادآوری می‌کنیم که این‌ها تنها فرصت‌های موجود نیست، بلکه می‌شود از آن‌ها ایده گرفت و فرصت‌های بهتری را ایجاد کرد.

- تمرین‌های گروهی: خوبی این فعالیت این است که در تمام دروس قابل انجام است. البته باز هم برمی‌گردیم به ویژگی‌های یادگیری در نوجوانان و اهمیت راهنمایی کردن در عین استقلال دادن به آن‌ها. این موضوع بسیار اهمیت دارد که در تمرین‌های گروهی، معلم اجازه ندهد که شخص یا اشخاصی بر دیگران غالب شوند، بخواهند به اصطلاح زور بگویند یا بقیه را وادار به پیروی از خود کنند. بالطبع ممکن است که چنین چیزی پیش بیاد و این دقیقاً آن‌جاست که لازم است معلم با مداخله و البته با باز کردن بحثی، ضرورت مساوات و احترام به نظر دیگران را به دانش‌آموزان متذکر شود و با آوردن دلیل، این بحث را به آن‌ها آموزش دهد.

- بحث‌های گروهی: این موضوع نیز همانند تمرین گروهی، نیاز به راهنمایی معلم

- دارد. البته شاید این فعالیت را در همه کلاس‌ها نشود به کار برد. به هر حال معلم می‌تواند همواره مترصد شناسایی فرصت‌های این‌چنینی باشد.
- واگذاری بعضی سرفصل‌های ساده‌تر به دانش‌آموز یا گروه‌های دانش‌آموزان برای تدریس: این فعالیت بسیار فعالیت سازنده و البته مخاطره‌آمیزی است. مخاطره‌آمیز از این نظر که امکان دارد دانش‌آموزان با برداشت غلط، چیزی را به اشتباه به بقیه انتقال دهند. به همین دلیل، نقش معلم در این فعالیت بسیار سازنده است. چه در زمینه تصحیح برداشت غلط، چه در زمینه تعریف مرزهای تدریس توسط دانش‌آموزان، چه در زمینه تعریف صحیح انتقاد و این که دانش‌آموزان مسئول را با مقوله پاسخگویی آشنا کند و به آن‌ها بیاموزد که مورد انتقاد قرار گرفتن، توهین نیست. دانش‌آموزان مخاطب نیز می‌بایست این را بیاموزند و تمرین کنند که چطور انتقاد کنند و چطور مرز بین انتقاد و توهین را تشخیص دهند.
- ارائه مطالب یا پرزنتیشن و شناسایی قسمت‌هایی که شبیه کار تدریس است و دانش‌آموز می‌بایست در آن قسمت‌ها متوجه نقش سازنده خود باشد. همین‌طور، قسمت‌هایی که اعضای گروه ارائه‌دهنده، در تعامل با هم قرار می‌گیرند: البته بخش بزرگی از کار ارائه مطلب، کار علمی و تحقیقی است که ممکن است مستقیماً با دموکراسی مرتبط نباشد.
- ایجاد بحث آزاد: در این قسمت هم نقش معلم بسیار سازنده است. این‌جا است که معلم می‌تواند تکثرگرایی و چگونگی تبدیل تفاوت‌ها و حتی اختلافات به فرصت‌های بهبود را به دانش‌آموزان آموزش دهد. در مورد تبدیل تفاوت‌ها به فرصت‌های بهبود در بخش چهارم بیش‌تر صحبت خواهیم کرد.
- در بخش بعد نگاهی به چند کتاب آموزشی می‌اندازیم و برخی از دروس و تمرین‌ها را تحلیل می‌کنیم و فرصت‌های فراهم برای معلمان را برای پیش‌کشیدن مباحث مرتبط با دموکراسی بررسی می‌کنیم.

بخش سوم

این بخش اختصاص دارد به بررسی موردی چند کتاب درسی دوره آموزش متوسطه و همین‌طور چند تمرین که شاید امکان اجرا در کلاس را داشته باشند یا این که دست کم شما معلمان گرامی بتوانید از آن الهام بگیرید. ابتدا نگاهی مختصر می‌اندازیم به مفاهیمی که در بخش دوم راجع به آن صحبت کردیم. ویژگی‌های نوجوانان در کلاس درس از مواردی بود که در بخش پیش مطرح شد. بحث این بخش را با تمرکز بر یکی از همین ویژگی‌ها شروع می‌کنیم.

یکی از ویژگی‌هایی که در بخش پیش شمرده شد، نیاز نوجوان به فعالیت‌های آموزشی است که نباید کسالت‌بار باشد. به همین منظور اینجا تکنیکی به نام تکنیک «گوجه فرنگی» یا «پامادورا» را به شما معرفی می‌کنیم. البته این تکنیک مستقیماً به مفهوم دموکراسی ارتباطی ندارد اما به این دلیل به آن می‌پردازیم که صحبت از علاقه‌مند کردن نوجوانان به مفاهیم آموزشی است و مهم است که نوجوان در هر بخش، در مباحث آموزشی همگام و همکار نگه داشته شود. این تکنیک ساده، به این ترتیب است که بیست و پنج دقیقه را به فعالیت آموزشی اختصاص دهیم و پنج دقیقه را به استراحت. این فعالیت و استراحت را مثلاً دو بار ادامه می‌دهیم و بار سوم زمان استراحت بلندتر خواهد بود. این تکنیک به فراگیری فعال کمک می‌کند که در بخش چهارم به آن خواهیم پرداخت.

کتاب درسی

تحلیل کتاب‌های درسی نظام آموزشی دولتی و رسمی بسیار مهم است. با چنین تحلیلی است که معلم و دست‌اندرکاران آموزش می‌توانند فرصت‌های آموزش مفاهیمی را شناسایی کنند که خارج از برنامه درسی رسمی نظام آموزش و پرورش است؛ مفاهیمی

نو و مترقی که شاید چندان مطلوب نظام آموزش و پرورش نباشد که دانش‌آموزان آن‌ها را یاد بگیرند.

دموکراسی و مفاهیم برخاسته از آن، از همین موارد است. پیش‌تر هم در این دوره و دو دوره دیگر تاکید کردیم که اگر قرار است که بستر جامعه برای برقراری و نهادینه‌شدن دموکراسی آماده شود، آموزش مفاهیم مرتبط با آن به کودکان و نوجوانان بسیار مهم است. در شرایط کنونی ایران، که آموزش استاندارد و آزاد مفاهیم مرتبط با دموکراسی امکان‌پذیر نیست، تلاش آموزش‌شده توانا آشنا کردن هر چند حداقلی دانش‌آموزان با این مفاهیم است.

مطالعات اجتماعی پایه هفتم متوسطه

عنوان درس اول این کتاب، «من حق دارم» است. در صفحه دو این کتاب آمده است:

«برای مثال همه انسان‌ها حق حیات یا زندگی دارند که مهم‌ترین حق آن‌ها است. آن‌ها حق دارند از نعمت‌های الهی برخوردار شوند. برای تامین نیازهای خود کار و تلاش کنند، ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند، یاد بگیرند و راه زندگی خود را انتخاب کنند. انسان‌ها حق دارند آزاد باشند؛ یعنی برده و بنده انسان‌های دیگر نباشند زیرا خداوند آن‌ها را آزاد آفریده است.»

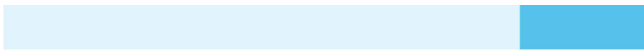
در بخش پیش‌گفتیم که یکی از ویژگی‌های آموزش نوجوانان این است که از منابع متفاوت آموزشی بهره می‌گیرند. بسیاری از این منابع، پایگاه‌های خبری هستند که اخبار سیاسی مربوط به ایران را منتشر می‌کنند. زمانی که نوجوان این اخبار را می‌شنود، ممکن است به راحتی بتواند تناقض این متن را با واقعیتی که در حال اتفاق افتادن است، بیابد.

مثلاً «نعمت‌های الهی» مورد اشاره در متن کتاب، در دسترس قشر محروم اقتصادی نیست یا ادعای این متن درباره «کار و تلاش» یا «حق یادگرفتن» هم مشکل دارد. همان‌گونه که مسجل است، اخبار ایران همواره حاوی خبرهایی از شهروندان بهایی است که به ناحق از حق کار و تحصیل محروم می‌شوند یا نوجوانی که گرایش جنسی متفاوت از دگرجنسگرایی دارد می‌داند که حق ازدواج و تشکیل خانواده نخواهد داشت.

کتاب «تفکر و سبک زندگی»

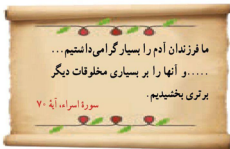
مشخص کردن شیوه تفکر و زندگی خاص با اصولی که ما به عنوان اصول دموکراسی

تعریف کردیم، در تناقض است. بر اساس این اصول وظیفه آموزش و پرورش این است که طبق مبانی منطقی نوین و شفافیت و منابع تخصصی و استناد پاسخگویانه، راه درست‌اندیشیدن، درست‌سنجیدن و تحلیل کردن را به دانش‌آموز آموزش دهد و در نهایت، انتخاب راه را به عهده او بگذارد. همچنین تکرر که یکی از ویژگی‌های بسیاری از جوامع امروزی است، از شهروندان می‌خواهد که به سبک‌های متفاوت تفکر و سلیقه‌های مختلف زندگی احترام بگذارند.



درس ۱

من حق دارم



همه ما مخلوق خداوند هستیم. خداوند انسان را عزیز و محترم و گرانقدر آفریده و درباره گرامی بودن مقام او در قرآن فرموده است:

خداوند با آفرینش انسان، حقوقی به او اعطا کرده است. منظور از حق چیزهایی است که یک انسان به دلیل مقام انسانی‌اش، شایستگی داشتن آنها را دارد. انسان‌ها از ابتدای خلقت و تولد دارای حقوق طبیعی* می‌شوند.



برای مثال همه انسان‌ها حق حیات یا زندگی دارند که مهم‌ترین حق آنها است. آنها حق دارند از نعمت‌های الهی برخوردار شوند. برای تأمین نیازهای خود کار و تلاش کنند، ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند، یاد بگیرند راه زندگی خود را انتخاب کنند. انسان‌ها حق دارند آزاد باشند؛ یعنی برده و بنده انسان‌های دیگر نباشند زیرا خداوند آنها را آزاد آفریده است.



کتاب «مطالعات اجتماعی»، پایه هفتم، درس «من حق دارم»

کتاب «تفکر و سبک زندگی» ویژه دختران

نسخه ویژه دختران این کتاب، که عنوانش «آداب پوشش و آراستگی» است، از زنان تصویری مطیع و پیرو شرایط نمایش می‌دهد. همین‌طور در آن با تعریف واژه حیا و عفت و لزوم رعایت حجاب برای زنان، بیش‌تر از مردان، حقوق برابر از آن‌ها سلب شده است. در حالی که همین تعاریف در نسخه ویژه پسرها نیامده. انگار آن چیزی که درباره درستکاری و عفاف و حیا، مدنظر نویسندگان کتاب است، تنها وظیفه زنان است.

آداب پوشش و آراستگی حیا و عفت و پاداش آن (داستانی برای تو)

حیا حالتی فطری و درونی است که انسان را از انجام کارهای نامناسب باز می‌دارد. معمولاً انسان گناه نمی‌کند، مگر آنکه بی‌حیا شود. حیا از ویژگی‌های انسان‌های عقیق و با تقوا است که بصورت یک عمل یادآورد، از گناه عملی می‌داند. داستان زیر که از قرآن کریم برگرفته شده است، حیا و برهنگاری را در رفتار دختران نجیب و حضرت موسی علیه السلام نشان می‌دهد.

زمانی که حضرت موسی علیه السلام بخت عقوبت فرعون قرار گرفت و از مصر فرار کرد، وارد سرزمین شبنی اراق در بنی‌مصر (بنی‌اسرائیل) شد. در آن زمان حضرت موسی علیه السلام جوانی نوجوان بود که همسر و جنای داشت. هنگامی که به کار چاه می‌رسید تا آنی نپوشید، دو دختر جوان با حجاب و نجیب را دید که در گوشه‌ای ایستاده و منتظرند تا از چاه آب بکشند و گوشه‌شان شود را سرباب کنند. حضرت موسی علیه السلام از دختران سوال کرد که چرا جلوه نمی‌روید تا به گوشه‌شان خود آب بدهید. دختران به حضور مردان نامرد اشاره کردند و گفتند: منتظریم تا آنها گوشه‌شان خود را آب بدهند و از اینجا بروند. آنها ادامه دادند: هر ما مردی بزرگ اما بر و توان است و از ما خوشتر است که این کارها را انجام بدهد. حضرت موسی علیه السلام که مردی بسیار نیکوکار و فرشته بود؛ به دختران نجیب گفت که اگر تا گوشه‌شان خود را سرباب نکنند. حضرت موسی علیه السلام این کار را برای رضای خداوند انجام داد. دختران به خانه برگشتند و حضرت موسی علیه السلام پس از آن به زریسه‌ای درختی رفت تا با عفت و ششگندگی که او همانجا با خدای خود گفت: «الها لها به من خیری از خون گرم تالی فرما زیرا پادشاه محتاجه»

دختران نجیب پاسخی بعد از رسیدن به خانه، مأمور را برای پزیران عریف کردند و از حضرت موسی علیه السلام و قدرت بیسی و پاکدامنی او در نزد پدر تشکر کردند. نجیب دختران خود را به دلیل حضرت موسی علیه السلام فرستاد. آنها در حالتی که با حجاب و حیا کامل راه می‌رفتند از موسی خواستند که نزد پدر آنها بیاید. حضرت موسی علیه السلام داستان خود را برای پدرش عریف کرد. نجیب فرمود: دیگر بگزارن نایش خدایت تو را از قوم قاطو و مستکبران فرعون نجات داد. آنکه به او پیشنهاد کرد که در ازای ۸ تا ۱۰ سال کار در زور، با دخترش صغیرا ازدواج با آنها زندگی کند. بدین ترتیب در نتیجه عفتی و پاکدامنی حضرت موسی علیه السلام نه مشکل اصلی او حل شد. ازدواج و مسکن حل شد. از این داستان نتیجه می‌گیریم که:

۱- دختران و پسران با حفظ حجاب و عفت می‌توانند به عقوبت‌های اجتماعی و اقتصادی برآیند.
۲- دختران نجیب با حضرت موسی علیه السلام که مرد نامردی بود ابتدا صحبت نکردند و از او چیزی درخواست ننمودند، بلکه



۱۴

فقاالت ۲: فری
که با مشاهده آن تصاویر به سوالات زیر پاسخ دهید:
۱- چرا لباس زن مرد باید مطزات باشد؟
۲- چه استزاک و عفت زنن بین اقوام مختلف ایران چیست؟
۳- چرا زنان پیش از مردان باید حجاب را رعایت کنند؟

قرآن کریم برای پوشش با حجاب اهداف زیر را بیان می‌کند:
۱- رضای‌های انسان را می‌پوشاند (سوره انفجر- آیه ۲۹)
۲- آبا می‌ترساند که کسی سرباز او گراما مطز می‌کند. (سوره نعل- آیه ۸۹)
آبا می‌ترساند که یکی دیگر از اقوام حجاب اندازد؟

حجاب: در معنای خاص آن حسی پوششی که زن در برابر افراد نامرد استفاده می‌کند تا اولاً رفتار و مزیت اجتماعی خود را در جامعه پدید آورد؛ ثانیاً به سلامت اخلاقی جامعه خود کمک کند. حجاب دارای دو بعد است: بعد فطری و بعد اجتماعی. بعد فطری هر عورت بدین بین را رعایت آداب آن از افراد نامرد است؛ اما بعد اجتماعی آن تعویق و پوشش بدنگری و عیوب عبادت است. حجاب ظاهر اگر با دوری از گناه همراه باشد، فرد را به نجابت و عفت می‌رساند و بدیناری یک فرد کامل خواهد شد. اگر فردی بی‌عفت و بی‌حجاب باشد، دیگر نیکواری به جلب محبت دیگران نخواهد داشت.



۱۵

کتاب «تفکر و سبک زندگی» ویژه دختران، صص ۱۶ و ۲۰

همین کتاب در مطلب مربوط به دوران قاعدگی، قاعدگی را بیماری معرفی می‌کند. همچنین با ادعاهایی نامعتبر در مورد پوشش زنان، حجاب را امری طبیعی می‌داند.

فاصله بین شروع دو قاعدگی معمولاً ۲۸ روز است؛ اما ممکن است از ۲۱ تا ۳۵ روز تغییر کند. طول مدت قاعدگی معمولاً بین ۳ تا ۷ روز است و در برخی از موارد ممکن است تا ۸ روز طول بکشد. بعد از اتمام دوره قاعدگی انجام غسل واجب است. عواملی نظیر فشار روانی، عفونت، کیست تخمدان (توده یاخته‌ای کیسه مانند)، سوء تغذیه یا مصرف برخی از داروها موجب می‌شود چرخش قاعدگی یا طول دوره کم و زیاد شود. در چنین مواردی **فرد بیمار** باید به پزشک زنان مراجعه کند.

۱۳

کتاب «تفکر و سبک زندگی» ویژه دختران، صص ۱۳

همه این‌ها مثال‌هایی بود برای این که نشان دهیم نظام آموزش و پرورش در ایران تا کجا با اصول دموکراسی فاصله دارد و در واقع تا چه حد آموزه‌هایش ضد آن اصول هستند. با وجود تاکید بسیار بر فطرت انسان، که البته در آموزه‌های نظام آموزشی ایران در چهار دهه اخیر مفهومی عقیدتی-دینی پیدا کرده است، هیچ کدام از این دو کتاب - چه برای

دختران و چه برای پسران - زمانی که از بلوغ صحبت می‌کنند، از روابط جنسی و عاطفی صحبتی به میان نمی‌آورند.

برخلاف نظام آموزشی فعلی ایران، که اصل را بر نابرابری جنسی قرار داده و بر «دوگانگی سنتی جنسی زن و مرد» و «تفاوت‌های فطری» شان تاکید دارد، در نظام‌های آموزشی دموکراتیک هر طرح آموزشی، اصل را بر برابری میان دو جنس زن و مرد قرار می‌دهد و این که این دوگانگی، سنتی و تاریخی است را مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین این را مطرح می‌کند که چطور شیوه آموزش در دو دهه گذشته از این دوگانگی هم عبور کرده و دگرباشان را هم در برمی‌گیرد. در برخی از کشورها مثل کانادا، یکی از دروسی که حتی از دوره دبستان در نظام آموزشی وجود دارد، مربوط به جنس و جنسیت است. همین‌طور در بسیاری از این نظام‌ها، از هنجارسازی به نفع گرایش جنسی دگرجنس‌گرایی و دوگانه جنسیت زن و مرد خودداری می‌شود، تا کسانی که از آن هنجارها پیروی نمی‌کنند، به حاشیه رانده نشوند. در این دروس نه تنها به فیزیولوژی انسان، بلوغ و روابط سالم اشاره می‌شود، که به مسئله بسیار مهم رابطه جنسی و لزوم آگاهانه‌بودن ایجاد رابطه از هر دو سمت هم پرداخته می‌شود. هدف هم این است که در بزرگسالی، گروهی تحت تعرض جنسی گروه دیگر قرار نگیرند. موارد نادرستی که در کتاب‌های درسی رسمی ایران وجود دارد، به دلیل آموزش‌های مردسالارانه ریشه بسیار محکمی نه فقط در قوانین، که در فرهنگ ما نیز دارد. از این‌رو آموزش اصول و مفاهیم استاندارد و درست، بسیار ضروری است. آنچه گفتیم، صرفاً چند مثال بسیار مهم از آموزه‌هایی است که تبعیض را نظام‌مند می‌کنند.

تمرین انتخابات

یکی از تمرین‌هایی که مرکز آموزش‌های مدنی در آمریکا برای تدریس دموکراسی به معلمان پیشنهاد می‌دهد که در کلاس اجرا کنند، برگزاری انتخابات فرضی برای انتخاب رئیس جمهور است. شیوه بازی به این ترتیب است که ابتدا معلم یک کلاس یا همه معلمان مدرسه تصمیم می‌گیرند که انتخابات در یک کلاس یا در سراسر مدرسه برگزار شود. سپس به طور عملی شروع به برگزاری انتخابات می‌کنند.

قدم اول در برگزاری این انتخابات، تحلیل اطلاعات دانش‌آموزان درباره انتخابات است. معلم در این مرحله از دانش‌آموزان می‌خواهد که اگر شاهد رأی‌دادن والدین‌شان بوده‌اند، آن را توضیح دهند. قدم دوم، تحلیل یا تصحیح آن اطلاعات است. بعد از آن، نوبت به رأی‌دادن می‌رسد. معلم از قبل صندوق، برگه‌های رأی و بقیه ملزومات رأی‌دادن

را آماده کرده و دانش‌آموزان به نوبت رأی خودشان را به صندوق می‌اندازند. سپس آراء شمرده می‌شود و رئیس جمهور فرضی انتخاب می‌شود. این تمرینی است که در بسیاری از مدارس آمریکا انجام می‌شود. اما آیا نظام سیاسی حاکم در ایران، دارای یک انتخابات آزاد است؟ اگر که نیست، چطور می‌شود یک انتخابات نمایشی تمرینی برگزار کرد که بر اساس اصول دموکراسی باشد؟

این دوره بر این باور است که اگر بر اساس سازوکارهای کنونی نظام انتخابات در ایران بخواهیم یک انتخابات تمرینی برگزار کنیم، در عمل همان سازوکارها را تقویت کرده‌ایم. پیشنهاد ما این است که برای انتخاب یک موقعیت جدید، مثلاً دستیار معلم در کلاس، یک انتخابات ترتیب داده شود. طی آن انتخابات می‌توانیم مفاهیم دموکراتیک را به بحث بگذاریم؛ مثل ضرورت نظارت همواره‌ی شهروندان (که این‌جا همان دانش‌آموزان هستند) بر عملکرد منتخبان‌شان. همین‌طور، ضرورت شفاف‌بودن فرد انتخاب‌شده با دانش‌آموزان را هم می‌توانیم مورد تاکید قرار دهیم. حتی می‌توانیم دانش‌آموزان را به سه گروه تقسیم کنیم و از آن‌ها بخواهیم که در مدت زمان مشخصی، که خیلی هم طولانی نیست، یک نفر را به عنوان نامزد گروه‌شان به معلم معرفی کنند که در انتخابات شرکت کند. سپس به هر نامزد، زمان کوتاهی بدهیم تا در مورد اهمیت کار و برنامه‌های احتمالی‌اش صحبت کند.

البته که معلم صحبت‌های هر کس را گوش می‌کند و بخش‌هایی از آن را که با اصول دموکراسی در تضاد است، اصلاح می‌کند. این اصلاح کردن، البته باید با رعایت امنیت معلم و دانش‌آموزان همراه باشد. مثلاً اگر امنیت معلم در خطر احساس می‌شود، از به‌کاربردن واژه‌هایی مثل دموکراسی خودداری شود و به جای آن، از معادل‌هایی استفاده شود که حساسیت‌زا نیستند. تشخیص این مسئله به عهده خود معلم است.

البته می‌دانیم که انتخابات به شکلی دیگر در برخی از مدارس انجام می‌گیرد. مثلاً برای انتخاب مبصر. هدف ما از ارائه این تمرین، این نیست که آن انتخابات را با این تمرین عوض کنیم بلکه این فقط تمرینی برای باز کردن برخی مفاهیم در ذهن دانش‌آموز است.

نباید فراموش کنیم که تدریس دموکراسی در جامعه‌ای مثل ایران، در عمل یک مبارزه یا فعالیت اجتماعی و حتی سیاسی است که ممکن است امنیت معلم را به مخاطره بیندازد. هدف چنین تمرین‌هایی، صرفاً آشنا کردن دانش‌آموزان با شکل انتخابات دموکراتیک است تا زمانی که آن‌ها به سن قانونی رسیدند، در مقام شهروند عادی، مطالبه‌گر باشند یا در مقام تصمیم‌گیرنده، از پیش با دموکراسی آشنا شده باشند. طراحان

این دوره بر این باورند که این تمرین اگرچه مقیاس کوچکی دارد اما جرقه اندیشیدن به انتخابات آزاد را در ذهن دانش آموزان ایجاد می کند.

بخش چهارم

این بخش که به شرح و ارائه مفاهیم اختصاص دارد در ادامه بخش دوم است. بخش دوم درباره اهداف تدریس دموکراسی و مفاهیمی بود که معلمان عزیز می‌توانند در شرایط کنونی نظام آموزش و پرورش در کلاس مطرح کنند تا دانش‌آموزان به طور عملی و نظری با مبحث دموکراسی بیش‌تر آشنا شوند. در آن بخش برخی ویژگی‌های آموزش نوجوانان و تفاوت آن‌ها با آموزش کودکان بررسی شد. در ادامه نیز کارکرد این ویژگی‌ها در نظام کنونی آموزش و پرورش در ایران به طور اجمالی مورد بحث قرار گرفت. سپس بحث دموکراسی و قابلیت آن برای تدریس، بررسی شد. همچنین نگاهی انداخته شد به برنامه‌ریزی‌های لازم برای تدریس دموکراسی و روش‌های تدریس منطبق با اصول و تعاریف دموکراسی. بنابراین تمرکز این بخش بر فراگیری فعال و اصول آن و کارآیی‌اش در تدریس دموکراسی است. همین‌طور در این بخش در عین حال که روی مشارکت به عنوان یکی از اصول یادشده تمرکز خواهد شد، درباره این نکته مهم خواهیم گفت که زمانی که تضاد منافع پیش می‌آید، نباید مشارکت به میدانی برای ابراز قدرت و تبعیض و به حاشیه رانده‌شدن گروهی از دانش‌آموزان تبدیل شود.

کلاس دموکراتیک

در طول سه دوره مجموعه «دموکراسی و آموزش»، مکرر راجع به مفهوم کلاس دموکراتیک صحبت کردیم. اجازه بدهید که باز هم این‌جا راجع به این مفهوم صحبت کنیم و نقل قولی بیاوریم از کتاب «آموزش مدرسان»: «ایده یک کلاس درس دموکراتیک این است که تمامی شاگردان بر اساس اصول دموکراتیک، مانند مدارا و

احترام به قوانین، مشارکت و احساس مسئولیت در برابر دیگر شاگردان، در اداره کلاس سهیم باشند.» تکیه این مجموعه سه دوره‌ای نیز بر اساس همین تعریف و عملی کردن این ایده است. از بین اصول یادشده، یعنی «مدارا»، «احترام به قوانین»، «مشارکت» و «احساس مسئولیت در برابر دیگران»، ابتدا به مشارکت می‌پردازیم.

مشارکت

در بخش دوم گفتیم که نوجوانان در کلاس درس نیاز به فعالیت دارند. این فعالیت، محدود به فعالیت‌ها و تمرین‌های عملی نیست بلکه نوجوان نیاز و اشتیاق دارد که در اداره کلاس هم مشارکت کند. برای مشارکت دادن دانش آموز نوجوان، در نظر داشتن چند نکته ضروری است. تعامل با نوجوانان به دلیل تغییرات جسمی، عاطفی و اجتماعی و ذهنی نوجوان به خودی خود کار آسانی نیست. ممکن است پیش کشیدن مباحث مرتبط با دموکراسی، به‌ویژه برای آن دسته از دانش‌آموزانی که خاستگاه اجتماعی ناهم‌راستا با اصول دموکراسی دارند، این تعامل را سخت‌تر هم بکنند. به همه این‌ها، تفاوت‌های افراد را هم اضافه کنید. بنابراین ضروری است که معلم با اشراف بر این ویژگی‌ها و همچنین شناخت او از شاگردانش، خود آن‌ها را به مشارکت تشویق و ترغیب کند.

فراگیری فعال

در بخش دوم، یکی از ویژگی‌های نوجوانی در کلاس درس را این‌طور تعریف کردیم که «اگر برای دانش‌آموز نوجوان، مطلب آموزشی کسل‌کننده باشد یا دیگر آن مطلب برایش جالب نباشد، از آموختن آن مطالب سر باز می‌زند». در همان مبحث، از لزوم یافتن ارتباط معنادار با مطالب آموزشی هم صحبت شد. این یعنی که فراگیری به نشستن پشت نیمکت و گوش دادن به مطالب خلاصه نمی‌شود. نوجوان برای این که به‌درستی یاد بگیرد و در عین حال حواسش به مطالب آموزشی باشد، نیاز دارد که فعالانه یاد بگیرد. یکی از عناصر مهم در یادگیری فعال، فعالیت‌های کوتاه آموزشی است که تمام دانش‌آموزان کلاس به‌طور انفرادی یا گروهی در کلاس انجامش می‌دهند. در این دوره مثال‌هایی از این فعالیت‌ها را برای معلمان عنوان خواهیم کرد. مثل همه فعالیت‌های دیگر، راهنمایی معلمان در طول تمرین‌های کوتاه یادگیری فعالانه، از مهم‌ترین لوازم مشارکت است تا پاسخ‌های شاگردان را پاسخ دهند، تحلیل کنند و راجع به آن بحث کنند.

منابع یادگیری متعدد

زمانی که صحبت از فراگیری فعال می‌کنیم، به یادداشتن چند نکته بسیار مهم است. اما این نکات چیستند؟

به خاطر دارید که در بخش دوم برخی از ویژگی‌های آموزش به نوجوانان را بررسی کردیم؟ یکی از آن ویژگی‌ها این بود: «کلاس درس، تنها منبع آموزش دیدن یک نوجوان نیست. تجربه شخصی، جامعه اطراف و گروهی که به آن تعلق دارد و همین‌طور اینترنت، منابعی هستند که نوجوان از آن‌ها آموزش می‌بیند.» زمانی که این ویژگی را در کنار یک واقعیت مهم دیگر قرار می‌دهیم، به نکته مهمی پی می‌بریم: این که به قول کتاب «آموزش مدرسان»، «دانش آموزان مانند کوزه‌های خالی نیستند که بتوان آن‌ها را با دانش پر کرد. فرآیند یادگیری باعث می‌شود، شاگردان اطلاعات جدید را با آنچه از قبل در ذهن دارند، پیوند بزنند.» پس هنگام تدریس به نوجوانان، می‌بایست بدانیم که نوجوان آموخته‌های کلاس درس را با آموخته‌های منابع دیگر پیوند می‌زند. بدین منظور می‌بایست از دیگر ابزارهای مفهومی و تمرین‌های گروهی استفاده کنیم تا نوجوان بتواند در مجموع، آموخته‌هایش را فعالانه تجزیه و تحلیل کند.

تغییر مفاهیم

باز هم از کتاب «آموزش مدرسان» نقل به مضمون می‌کنیم که دانش آموز مفاهیم جدیدی را که یاد می‌گیرد، تحلیل می‌کند و ممکن است آن‌ها را جانشین مفاهیمی کند که پیش‌تر یاد گرفته است. یا این که آن‌ها را تلفیق کرده و مفاهیم جدید را استخراج کند یا حتی تشویق شود که مفاهیم یا روش‌های جدیدی برای آموختن و تحلیل را پیشنهاد کند. «آموزش را می‌توان طی فرایند «تغییر مفاهیم» پیش برد که در آن شاگردان می‌کوشند مفاهیم جدید را تحلیل کرده و جایگزین مفاهیم نادرست یا سوء برداشت‌های پیشین خود کنند یا این که اطلاعات جدید را با دانش فعلی خود تلفیق کرده و از آن مفاهیم جدید استخراج کنند.»

این نکته به این دلیل خاطرنشان می‌شود که یادمان باشد یکی از کارکردهای مهم پیش‌کشیدن و تدریس دموکراسی و مباحث مرتبط با آن، تغییر مفاهیمی است که مانع پیشرفت جامعه به سوی دموکراسی هستند. اگرچه این تغییر، بسیار بزرگ و تا حدی دست‌نیافتنی به نظر می‌آید، اما تجربه دیگر جوامع نشان داده که همین آموزش‌های هرچند کوچک، در گذر زمان، نتایج مهم و بزرگی به بار می‌آورند.

فراموش نکنیم که نوجوان در پی کشف و یادگرفتن است. پس این آموزش

صحیح است که می‌تواند این تشنگی را با آب سالم برطرف کند. این روش همچنین به دانش‌آموز کمک می‌کند که طی یادگیری، ظرفیت‌های جدیدی را برای خودش یا حتی برای هم‌کلاسانش ابداع کند. به این ترتیب هر دانش‌آموزی متوجه خواهد بود که نه تنها در روند آموزش و یادگیری مشارکت فعال دارد بلکه بالقوه، به خودی خود یک معلم است.

مشارکت و تضاد منافع

یکی از تبعات زندگی اجتماعی، تضاد منافع بین اعضای آن اجتماع است. کلاس هم به عنوان یک جامعه از اعضایی تشکیل شده که در مواردی با هم اشتراک منافع دارند و در مواردی نه تنها اشتراک منافع ندارند، که حتی تضاد منافع دارند. برخی معلمان بر این باور هستند که باید دانش‌آموزان را از هر نوع کشمکش که نتیجه تضاد منافع است، دور نگه داشت. اما برخی که به آموزش دادن دموکراسی در مدارس متعهد هستند، باور دارند که تدریس دموکراسی نیاز به این دارد که اجازه دهیم دانش‌آموزان در معرض عقاید و آراء گوناگون قرار بگیرند و شاهد تضاد منفعی باشند که در کلاس رخ می‌دهد و روی آموزش اثر می‌گذارد و با این کار، انگار که تضاد منافع را به عنوان یک ابزار برای تدریس استفاده می‌کنند. به عبارتی در این صورت، تضاد منافع تبدیل به فرصتی برای یادگیری می‌شود. اجازه بدهید که این بحث را کمی گسترده‌تر کنیم. مجموعه سه دوره‌ای «آموزش دموکراسی» در عین این که روش تدریس گروه اول - یعنی معلمان مخالف پدیدارشدن تضاد منافع - را قبول دارد در راستای پذیرفتن وجود تضاد منافع و استفاده از آن برای تدریس دموکراسی طراحی شده است.

یک فعالیت کوتاه برای دانشجویان پیشنهاد می‌کنیم: شهر یا روستایی را که در آن زندگی می‌کنید، در نظر بگیرید. آیا همه همشهری‌ها یا هم‌روستایی‌های شما دارای یک باور مذهبی هستند؟ آیا همه در خانه‌هایشان به یک زبان صحبت می‌کنند؟ آیا همه گرایش‌های سیاسی و اجتماعی یکسان دارند؟ احتمال دارد که برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، حتی نیاز نباشد که همه شهر را در نظر بگیرید؛ مثلاً حتی اگر دایره پرسش‌ها را به یک آپارتمان هم محدود کنیم، پاسخ همه آن پرسش‌ها در مورد همین یک ساختمان، منفی خواهد بود. حالا جامعه ایران را در نظر بگیریم. جامعه ایران از هویت‌های فرهنگی و فردی گوناگون تشکیل شده است. این گوناگونی فرهنگی، زمانی که با پابندی به فرهنگ و هویت اجتماعی آمیخته می‌شود، تضاد منافع را بین هویت‌های گوناگون شکل می‌دهد. اگر ما شهروندان ندانیم که چگونه با تضاد منافع کنار بیاییم یا چگونه آن را

مدیریت کنیم، تضاد منافع تبدیل به یک درگیری یا حتی جنگ می‌شود و در درگیری یا جنگ هم تنها قدرت حکمفرما است و نتیجه این حکمفرمایی، از بین رفتن حقوق گروه یا گروه‌هایی از جامعه است.

استفاده از تضاد منافع در تدریس دموکراسی، به دانش‌آموزان مهارت مدیریت این نوع تضادها را آموزش می‌دهد. اما این مهم است که چطور از تضاد منافی که ممکن است پیش بیاید، استفاده کرد. یکی از مشکلاتی که سر راه این فعالیت وجود دارد، این است که در شرایط کنونی نظام آموزش و پرورش در ایران و بعضاً با وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی، نمی‌شود هر موضوعی را در کلاس مطرح کرد. معلمی که بخواهد درباره برابری زنان و مردان حرف بزند، ممکن است به وسیله بالادستی‌های خودش مورد مواخذه قرار بگیرد. همین وضعیت ممکن است در مورد معلمی اتفاق بیفتد که بخواهد مثلاً از حقوق دانش‌آموزان بهایی کلاسش دفاع کند یا معتقد باشد مسائل مرتبط به جنسیت و گرایش‌های جنسی می‌بایست به نوجوانان آموزش داده شود یا از حقوق کسانی که از هنجارهای معمول پیروی نمی‌کنند، دفاع کند.

برای همین هم هست که این دوره در بخش‌هایی که به مثال‌ها و مرور برخی کتاب‌های درسی اختصاص داده، نگاهی به فرصت‌های هر چند کوچک می‌اندازد که بتواند با آن مثال‌های کم‌خطر، شیوه‌های دموکراتیک زندگی کردن را به طور عملی و متأسفانه گاهی بدون آموزش مفاهیم، در کلاس مطرح کند. با این حال، به دلیل تحولی که فناوری دیجیتال، به‌ویژه اینترنت، در زندگی نوجوان امروزی به وجود آورده است، احتمال این که نوجوان در معرض آشنایی با این مفاهیم قرار بگیرد، زیاد است. به همین دلیل، این دوره معتقد است که آموزش‌های عملی کوچک در کلاس موثر خواهد بود و مثلاً زمانی که دانش‌آموزان در جای دیگری با این مفاهیم آشنا می‌شوند، به یاد خواهند آورد که پیش‌تر، این مفاهیم را در کلاس و در تمرین‌های کوچک استفاده کرده‌اند و در نتیجه، مهارت بیشتر برای استفاده از آن مفاهیم در مقیاس‌های بزرگ‌تر خواهند داشت.

باز هم روی این نکته تأکید می‌کنیم که تضاد منافع ممکن است تبدیل به میدانی برای ابراز قدرت شود و نقش معلم در این زمان بسیار مهم است تا جلوی هر جور ابراز قدرتی را بگیرد. چرا که ابراز قدرت، منجر به تبعیض و به حاشیه‌رانده شدن گروهی از اعضای جامعه می‌شود و یکی از کارکردهای مهم دموکراسی در عصر حاضر، جلوگیری از همین ابراز قدرت‌ها است. پس زمانی که تمرین‌های گروهی در حال انجام است، بسیار مهم است که معلم با اشراف به آنچه دارد می‌گذارد، اجازه بروز تبعیض را به کسی ندهد.

بخش پنجم

در این بخش مطابق روند بخش سوم، نگاهی می‌اندازیم به برخی کتاب‌های درسی و برخی از مطالب مطرح‌شده در آن‌ها را از منظر انطباق با اصول دموکراسی بررسی می‌کنیم. همچنین چند پیشنهاد برای انجام برخی تمرین‌ها در کلاس درس ارائه می‌کنیم تا معلمان بتوانند از آن‌ها استفاده کنند یا این که با الهام گرفتن از آن‌ها، برخی تمرین‌ها را برای آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم مرتبط با دموکراسی اجرا کنند.

کتاب مطالعات اجتماعی، پایه هشتم، مقدمه

در مقدمه‌ای که نویسندگان این کتاب خطاب به دبیران نوشته‌اند، رویکرد و هدف اصلی این درس این‌طور عنوان شده است: «درس مطالعات اجتماعی با توجه به رویکرد کلی برنامه درسی ملی، مبنی بر فطرت‌گرایی توحیدی و اهتمام به شکوفایی آن، سعی می‌کند زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی نوجوانان را فراهم آورد. از این روی، هدف غایی این درس تربیت افرادی مومن، مسئول، توانمند و آگاه در زندگی فردی و اجتماعی، پایبند به اخلاق و ارزش‌های دینی و انقلابی و علاقه‌مند به ایران و هویت فرهنگی-تمدنی آن است. این درس پیوند نزدیکی با مهارت‌های زندگی دارد.»

باید به واژه‌ها و عباراتی که در این مقدمه آمده دقت کنیم. این درس که یکی از دروس تا حدی عقیدتی نظام آموزش و پرورش ایران است، قابلیت این را دارد که با ترندهایی مانند تحریف وقایع تاریخی، ایدئولوژی نظام حکومتی را به خورد دانش‌آموزان دهد. سوالی که می‌توانیم از خودمان بپرسیم، این است که چرا تکیه بر به ایدئولوژی در یک نظام آموزشی، با اصول دموکراسی منطبق نیست؟

ایدئولوژی و دموکراسی

ایدئولوژی به بیان ساده، مجموعه‌ای از باورهاست که ترویج‌دهنده‌های آن، از آن یک جهان‌بینی به‌ظاهر منسجم ساخته‌اند. این مجموعه باورها، اساس تئوری‌های اقتصادی و سیاسی معتقدان به آن را تشکیل می‌دهد و خط‌مشی زندگی خصوصی و عمومی‌شان را تعیین می‌کند. این یعنی هر ایدئولوژی، مختص به یک گروه از افراد جامعه است. بنابراین گروه‌های دیگر جامعه، که به هر دلیلی مانند باورداشتن به خطوط مشی و تئوری‌ها و ایدئولوژی‌های دیگر، نخواهند از آن ایدئولوژی خاص پیروی کنند، می‌بایست در این عدم پیروی‌شان آزاد باشند. از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های اصلی حکومت‌های ایدئولوژیک این است که تمایل دارند همه مردم جامعه را به پیروی از ایدئولوژی یا روایت مطلوب خودشان از آن تشویق یا حتی وادار کنند و این وادار کردن، خلاف اصول دموکراسی به معنای نوین آن است. علاوه بر این، ایدئولوژی اگرچه که اعتقاد آگاهانه را تبلیغ می‌کند، اما در عمل نیاز به یک آگاهی کاذب دارد؛ زیرا در صورتی که آگاهی واقعی باشد، انسانی تربیت می‌شود که بدون پرسشگری و سنجشگری به هیچ باوری ایمان نمی‌آورد و این‌جا است که بودن ایدئولوژی در نظام آموزشی، با لزوم تفکر انتقادی در تضاد خواهد بود.

حکومت کنونی ایران، که شکلی ایدئولوژیک و تمامیت‌خواه دارد، هم از این قاعده مستثنی نیست. برای روشن‌تر شدن مطلب، می‌توانیم نگاهی کنیم به اقلیت‌های دینی شهروندان ایران یا شهروندانی که هویت‌های جنسی و جنسیتی متفاوت با هویت جنسی و جنسیتی دلخواه ایدئولوژی حاکم دارد. همچنین جامعه زنان که می‌خواهند حقوق برابر با مردان و حق انتخاب پوشش داشته باشند. حالا به آن پاراگراف نوشته‌شده برای دبیران مطالعات اجتماعی پایه هشتم برمی‌گردیم و هویت‌ها و مطالبات گروه‌های یادشده را کنار اون پاراگراف می‌گذاریم. آیا آن گروه‌ها می‌توانند با حفظ عقاید و باورها و مطالبات‌شان مخاطب آن پاراگراف باشند؟ این پرسش مهمی است که شما معلمان را دعوت می‌کنیم به آن فکر کنید و در صورت امکان با دوستان هم‌فکر خودتان در موردش بحث کنید.

چند قالب پیشنهادی برای انجام تمرین‌های مرتبط با تدریس دموکراسی

- **فعالیت‌های فردی:** برای کلاس یک سوال یا مسئله چالش‌برانگیز مطرح کنید. سپس به دانش‌آموزان خود برای پیدا کردن پاسخ یا دست‌کم پیدا کردن یک راه حل، زمان بدهید. این زمان نباید بسیار طولانی باشد و بسته به پیچیدگی سوال یا مسئله، می‌تواند از ده ثانیه تا سه دقیقه طول بکشد. اگر سه دقیقه کم است، شاید لازم باشد که سوال را به سوال‌های کوچک‌تر یا مسئله‌های ساده‌تر تقسیم کنیم.

- **فعالیت‌های گروهی:** گروه‌ها را خیلی بزرگ نکنید و در صورت نیاز از یک نفر بخواهید که از مباحث مطرح شده در گروه، یادداشت بردارد تا زمانی که نوبت نظردادن هر گروه شد، آن یادداشت‌ها را بخواند. پس از اتمام زمان بحث، از کسانی که یادداشت برداشته‌اند، بخواهید که نتیجه مباحث را بخوانند. سپس بحث گروهی را شروع کنید.

تمرینی برای به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی

پیش از این که این تمرین بسیار ساده را معرفی کنیم، بهتر است با مفهوم «هنجارهای اجتماعی» آشنا شویم. هنجارهای اجتماعی، توقعاتی هستند که اکثریت جامعه آن‌ها را پذیرفته‌اند یا تصور غالب این است که این هنجارها منسجم و همه‌شمول هستند؛ مانند بسیاری از سنت‌ها و رفتارهای متداول در هر جامعه. هنجارها ممکن است که شکل قانون رسمی به خودشان بگیرند یا این که به شکل عرف الزام‌آور بروز کنند. قانون نبودن یک هنجار، به این معنی نیست که پیروی نکردن از آن، راحت و بدون عواقب اجتماعی و مجازات است. پیروی نکردن از هنجارهای اجتماعی، حتی زمانی که جزء قوانین رسمی جامعه نیستند، معمولاً عواقبی دارد و غالباً هزینه‌های سنگینی را برای کسی که عمداً یا سهواً از آن‌ها پیروی نمی‌کند، به دنبال می‌آورد. این هزینه‌ها حتی ممکن است تا گرفته شدن جان کسی هم پیش برود. مثل قتل‌هایی که با عنوان قتل‌های ناموسی از آن‌ها یاد می‌شود.

نکته مهمی که درباره چنین عواقبی وجود دارد، این است که مجازاتی که افراد به شخص هنجارشکن روا می‌دارند، در موارد بسیاری بر خلاف قانون رسمی است، با این حال تخفیف‌های قانونی در برخورد با همین افرادی وجود دارد که به طور غیرقانونی هنجارشکن‌ها را مجازات می‌کنند. در نتیجه، غالباً کسی که مرتکب آن جرم خلاف قانون رسمی شده، توسط همان قانون رسمی مورد عفو قرار می‌گیرد و عملاً قانون و نظام قضایی، روی هم رفته، طرف «قانون‌شکن» را می‌گیرند و از «قانون‌شکن‌ها» به خاطر مجازات هنجارشکن‌ها حمایت می‌کنند.

یکی از هنجارهای اجتماعی که پیروی کردن از آن یک الزام بسیار جدی است، دوگانه جنسیت زن و مرد است. این هنجار که از ابتدای به دنیا آمدن انسان‌ها به آن‌ها آموزش داده می‌شود، آن قدر ریشه دارد که بسیاری از ما حتی آن را جزئی از طبیعت انسان می‌دانیم و حتی به اشتباه با شواهد شبه‌علمی، درست بودنش را توجیه می‌کنیم. اما به راستی چرا نشان دادن نادرستی این هنجارها ضروری است؟ و از چه زمانی لازم است که آموزه‌های درست‌جانشین آموزه‌های نادرست شود؟ کمی به این پرسش فکر کنیم.

تمرین

زمانی که حضور زنان در جوامع، پدیده‌ای معمولی نبود، عده‌ای معمایی را برای به‌چالش کشیدن باورهای نهادینه‌شده، مطرح کردند با این مضمون که: مردی با پسرش توی ماشین بودند که تصادف می‌کنند. مرد می‌میرد اما پسر زخمی می‌شود و او را به بیمارستان می‌رسانند. پسر را به اتاق عمل می‌برند. پزشک زن تا وارد می‌شود، جا می‌خورد و می‌گوید: «این که پسر من است! چطور ممکن است؟»

ذهنتی که زن را در خانه تصور می‌کند، احتمالاً در جواب سوال گیج خواهد شد. در عین حال هم وقتی که پاسخ سوال داده می‌شود، جایی برای مخالفت باقی نمی‌ماند. چنین بازی‌هایی در عین اینکه آموزش‌دهنده هستند، در زمان بسیار کوتاهی هنجارهای جاافتاده در ذهن دانش‌آموزان را نیز زیر سوال می‌برند. یکی دیگر از تمرین‌هایی که می‌توانیم با انجام آن هنجارهای جاافتاده جنسی و جنسیتی را به چالش بکشیم، این است که تعدادی از زنانی را که صاحب تحقیق یا پروژه‌های علمی، اجتماعی یا اقتصادی هستند، انتخاب کنیم، مانند مریم میرزاخانی. سپس موضوع فعالیت این زنان را بدون اشاره به نام آن‌ها، در کلاس مطرح کنیم. سپس نام زن صاحب فعالیت را کنار نام یک مرد که در همان زمینه فعال است، بنویسید و از دانش‌آموزان بخواهید که حدس بزنند بین آن زن و مرد، چه کسی صاحب آن فعالیت یا نظریه است. اگر دانش‌آموزان مردها را بیش‌تر از زن‌ها حدس بزنند، نشان از جاافتادن نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه است. به این ترتیب باز هم آن هنجارهای جاافتاده را به چالش خواهیم کشید.

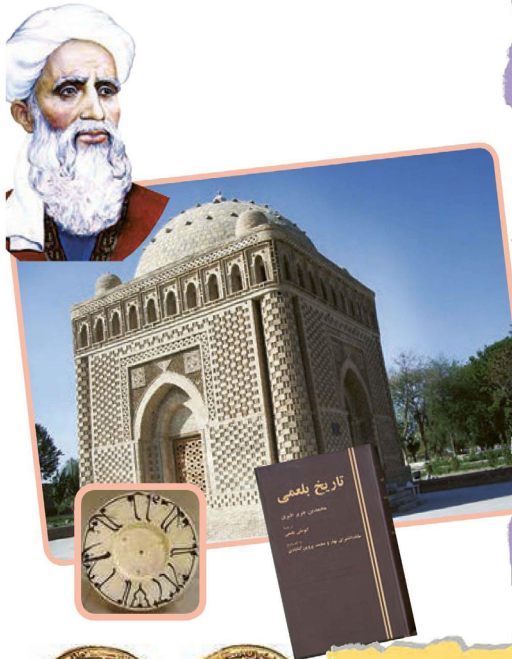
این تمرین که در این بخش معرفی می‌شود، شاید بیش از حد ساده به نظر برسد اما با توجه به شرایط موجود در نظام آموزش و پرورش، همین تمرین‌های ساده می‌تواند ذهن‌های جوان را به پرسشگری در مورد هنجارها بکشانند. فراموش نکنیم که یکی از اصول آموزش دموکراسی، آموزش مهارت تفکر انتقادی به دانش‌آموزان است و چنین تمرین‌هایی ممکن است تا حدودی آموزش‌های رسمی کتاب‌هایی چون «مطالعات اجتماعی» یا «تفکر و سبک زندگی» و جداسازی نسخه مخصوص پسران و دختران در آن‌ها را به چالش بکشد.

کتاب مطالعات اجتماعی، پایه هشتم، فصل ششم

وقایع تاریخی، پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که نیاز به تحلیل و بررسی فراوان و جدی دارند. متأسفانه زمانی که نظام آموزش و پرورش قصد داشته باشد یک واقعه تاریخی مهم را به شکلی غیر از آنچه که اتفاق افتاده، روایت کند، از این تحلیل و بررسی جدی

می‌گذرد و صرفاً مانند یک قصه و یک روایت ساده از آن واقعه ارائه می‌کند. این اتفاق در مقدمه فصل ششم کتاب «مطالعات اجتماعی» پایه هشتم افتاده است. یکی از وقایع تاریخی بسیار مهم در تاریخ کشور ایران، حمله اعراب به ایران و مسلمان شدن اجباری ایرانیان است اما نویسندگان این کتاب در برابر چنین واقعه تاریخی مهم و پیچیده‌ای، روایتی را عرضه کرده‌اند که به شواهد تاریخ، واقعی نیست.

عصری تازه در تاریخ ایران



فصل ۶

پس از ظهور دین اسلام در شبه‌جزیره عربستان، طولی نکشید اسلام به سرزمین ما نیز رسید و حکومت ساسانیان سقوط کرد و دوران تازه‌ای در تاریخ ایران شروع شد. مردم ایران به تدریج و با آغوش باز اسلام را پذیرفتند و سهمی بزرگ در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی به عهده گرفتند.

ایرانیان مسلمان، آثار ارزشمندی در زمینه‌های معارف اسلامی، علوم انسانی، علوم تجربی، ادبیات، هنر و معماری به وجود آوردند و به جهانیان تقدیم کردند.

تما یا آموختن این فصل و انجام فعالیت‌های آن، بی‌بی‌نبرد:

- ۱- چرا حکومت ساسانی سقوط کرد؟
- ۲- اوضاع سیاسی ایران در آغاز دوره اسلامی چگونه بود؟
- ۳- ایرانیان چرا و چگونه مسلمان شدند؟
- ۴- نقش ایرانیان مسلمان در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی چه بود؟

کتاب مطالعات اجتماعی، پایه هشتم

بخش هشتم

این بخش مطابق بخش‌های دوم و چهارم، به بررسی برخی مفاهیم مرتبط با دموکراسی و تدریس دموکراسی اختصاص دارد. ابتدا خلاصه‌ای از مفاهیمی که در بخش چهارم مرور شده را بررسی می‌کنیم. در بخش چهارم مفهوم کلاس دموکراتیک و منظور از این مفهوم را تعریف کردیم. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفتیم یکی از اصول کلاس دموکراتیک و اداره کردن کلاس به شیوه دموکراتیک، مشارکت همه اعضای کلاس، از جمله دانش‌آموزان کلاس است. در ادامه درباره «فراگیری فعال» سخن گفتیم و یادآور شدیم که موفقیت فراگیری فعال، به اشتیاق نوجوانان به مشارکت وابسته است و یکی از ضروریات اداره کلاس به شمار می‌رود. مفهوم دیگری که در بخش چهارم راجع به آن صحبت شد، منابع یادگیری و تاثیر آن‌ها بر ذهن تشنه فراگیری نوجوان بود. گفتیم که تحول مفاهیمی که نوجوانان از منابع گوناگون فرا می‌گیرند، چطور اتفاق می‌افتد. در ادامه، بحث مهمی با عنوان «مشارکت و تضاد منافع» مطرح شد و درباره این موضوع نیز گفتیم که چطور در آموزش، می‌توانیم تضاد منافع را به فرصتی برای آموزش تبدیل کنیم؛ تضاد منفعی که معمولاً می‌تواند به طور منفی مشارکت را تحت تاثیر قرار دهد. اما در این بخش درباره اهمیت و فراگیری گروهی در آموزش دموکراسی صحبت خواهیم کرد.

بحث این بخش حول مفاهیم «آموزش فردی» و «آموزش گروهی» و تفاوت آن‌ها خواهد بود. همچنین درباره لزوم هدایت فعالیت‌های دانش‌آموزان، به‌ویژه فعالیت‌های گروهی آن‌ها، با جزئیات بیش‌تری بحث خواهیم کرد. همین‌طور از این صحبت می‌کنیم

که مصداق‌های تبعیض در کلاس چیست و این که معلم چطور می‌تواند آن‌ها را شناسایی کند. با این هدف که تبعیض و سرکوب بازتولید نشود و دانش‌آموزان به حاشیه رانده نشوند.

شیوه‌های یادگیری متفاوت در افراد متفاوت

تحقیقات گوناگون و البته تجربه معلمان در طول تاریخ ثابت کرده که شیوه یادگیری در هر دانش‌آموز متفاوت است. به تعبیر کتاب «آموزش مدرسان»، برخی از دانش‌آموزان از طریق دیدن بهتر یاد می‌گیرند یعنی به صورت «دیداری و تصویری»؛ برخی دیگر با شنیدن یاد می‌گیرند که به آن «یادگیری شنیداری» گفته می‌شود و برخی نیز با «یادگیری‌های عملی یا لمسی» راحت‌تر هستند و این یعنی برای یاد گرفتن نیاز دارند به طور عملی با مفاهیم آشنا شوند. آگاه‌بودن به این ویژگی‌ها و این گوناگونی شیوه‌های یادگیری در کلاس درس، که مقیاسی کوچک از یک جامعه انسانی است، یکی از ضروریات اداره کلاس و تدریس به شیوه‌های دموکراتیک است. به این دلیل که همان اندازه که کار تدریس را جذاب می‌کند، چالش‌برانگیز نیز می‌کند. اکنون پیش از این که به چالش‌های برآمده از این گوناگونی‌ها پردازیم، نگاهی می‌کنیم به چگونگی توجه به آن در کلاس. بار دیگر از کتاب «آموزش مدرسان» کمک می‌گیریم و نگاهی اجمالی می‌اندازیم به مفهوم «تدریس به روش چند حسی» یا teaching sensory-Multi. این روش تدریس از معلم می‌خواهد که برای آموختن مطالب به یک شیوه بسنده نکند. به کارگرفتن شیوه‌های متفاوت، حس‌های متفاوت را در دانش‌آموزان برمی‌انگیزد و موجب می‌شود دانش‌آموزان فرصت بیابند تا مطالب را با آن حسی که برایشان راحت‌تر است، دریافت کنند و در نتیجه مفاهیم را بهتر یاد بگیرند. برای مثال شنیدن سخنرانی، مباحثه، شرح مفاهیم و روخوانی، فرصت‌های یادگیری بیش‌تری را برای دانش‌آموزانی فراهم می‌کند که با یادگیری شنیداری راحت‌تر هستند. همچنین استفاده از ابزارهای گوناگون مانند نمودار و ویدیو یا تکنیک‌هایی مثل «طوفان فکری» (Storming Brain) و نیز ارائه مفاهیم با استفاده از نرم‌افزارهایی مثل پاورپوینت، دانش‌آموزانی که با یادگیری دیداری راحت‌ترند را بیش‌تر درگیر می‌کند. همین‌طور دانش‌آموزانی که با یادگیری جنبشی یا لمسی راحت‌ترند، با یادداشت‌برداری و مشارکت عملی فرصت یادگیری بیش‌تری خواهند داشت.

پس بهتر است که معلم در هر کلاس، رهیافت‌ها و ویژگی‌های متفاوت هر دانش‌آموز را در نظر بگیرد و به یک ابزار تدریس بسنده نکند. البته این، چالش تدریس به شیوه

دموکراتیک هم هست. اما اگر بخواهیم منابع یادگیری متفاوت را به طور یکسان در دسترس همه دانش آموزان قرار دسیم، می‌بایست با آن دست و پنجه نرم کنیم. حال یکی از این چالش‌ها را به شکل جزئی‌تر بررسی می‌کنیم. این چالش، پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزانی است که نیازهای ویژه‌ای دارند اما در مدارس کودکان استثنایی نیستند.

نیازهای ویژه

ابتدا توضیح دهیم که در این قسمت به هیچ عنوان قصد نداریم نظام آموزش و پرورش استثنایی ایران را تحلیل کنیم. بلکه از این نظام استفاده می‌کنیم تا لزوم به کارگرفتن شیوه‌های متفاوت تدریس را بررسی کنیم. درست است که نظام آموزش و پرورش کشور ایران طوری طراحی شده که دانش‌آموزانی که نیازهایی فراتر از نیازهای معمول دارند، به مدارس استثنایی می‌روند اما استثنایی بودن، یک طیف است. یعنی می‌بایست این را به خاطر داشت که بسیاری از دانش‌آموزان شانس ورود به مدارس استثنایی را ندارند و به مدارس عادی می‌روند، اگرچه هنوز دارای نیازهای ویژه‌ای هستند.

معلم با شناسایی نیازهای ویژه، می‌تواند سعی کند که شیوه‌های تدریس مناسب را به کار گیرد. ضمناً با توجه به این که برخی نیازهای ویژه ممکن است برخی دانش‌آموزان را در موقعیت حساس تری قرار بدهد، معلم می‌بایست متوجه این باشد که آن دانش‌آموزان به حاشیه رانده نشوند. باز هم تکرار می‌کنیم که منظور ما از پیش کشیدن این بحث، ورود به بحث نظام آموزش و پرورش استثنایی نبود چون آن بحث، بحث مفصلی است که نیاز به مجالی جداگانه دارد، بلکه منظورمان این بود که نشان دهیم چرا در یک شیوه آموزش دموکراتیک می‌بایست به نیازهای ویژه دانش‌آموزان و نیز طیف دانش‌آموزان استثنایی توجه داشته باشیم تا احتمال به حاشیه رانده شدن این گروه‌ها را به حداقل برسانیم یا از بین ببریم. در این جا، مبحث شیوه‌های یادگیری را متوقف می‌کنیم و کمی جزئی‌تر به مفهوم «فراگیری گروهی» می‌پردازیم.

فراگیری گروهی

فراگیری گروهی دارای سه عنصر کلیدی است که این سه عنصر به مفهوم دموکراسی پیوند عمیقی خورده‌اند. سه عنصر یادشده عبارتند از:

- ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر
- کار گروهی
- اتکاء متقابل مثبت

در ادامه نگاهی اجمالی می‌اندازیم به هر کدام از این عناصر و ارتباطشان با مفهوم دموکراسی و تدریس آن.

ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر

فراگیری گروهی و ارتباط دانش‌آموزان کلاس با هم، فرایندهایی هستند که مانند دو چرخ‌دنده به هم کمک می‌کنند که بچرخند. شاید پرسید که این به چه معناست؟ در پاسخ باید گفت این که هر چقدر فعالیت‌های گروهی در کلاس به شکل اصولی‌تر و بر اساس معیارهای دموکراسی انجام بگیرد، ارتباط دانش‌آموزان با هم به شکل مناسبی گسترش پیدا می‌کند و زمانی هم که دانش‌آموزان ارتباطی مبتنی بر احترام و درک متقابل داشته باشند، فعالیت‌های گروهی بهتر انجام می‌گیرد و این یکی از اصول اداره جامعه بر اساس دموکراسی است؛ یعنی پیش‌بردن جامعه به شکل جمعی و احترام افراد به یکدیگر. اصولی که بسیاری از ما به عنوان اصول دموکراسی در معنای عام آن می‌شناسیم، همان اصولی هستند که ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر را نیز دموکراتیک می‌کند. این اصول عبارتند از:

- بحث درباره مفاهیم و موضوعات آموزشی
- انتقال مفاهیم و جذب مطالب به وسیله دانش‌آموزان از طریق مباحثه، ارائه مطالب، بازی‌های گروهی و غیره. توجه داشته باشیم که هر دو طرف ارتباط در این جا مهم هستند یعنی گروهی که مطالب را منتقل می‌کند و گروهی که مطالب را دریافت می‌کند
- پیوند آموخته‌های فعلی با آموخته‌های قبلی که پیش‌تر درباره آن صحبت کردیم
- فکر کردن درباره راه حل مسائل به صورت گروهی
- به اشتراک گذاشتن بازخوردها بین یکدیگر. در این بخش هم حضور فعال و هدایتگرانه معلم بسیار ضروری است تا موقع بازخورد دادن‌ها، اصول احترام به حقوق برابر و حفظ شأن گروه یا فرد مقابل رعایت شود تا دانش‌آموز بیاموزد که بازخورد یا انتقاد از انسانی دیگر، نه به معنای سرکوب، بی‌احترامی و زیر سوال بردن هویت کسی است و نه به معنای برخوردن یا کینه توزی.

شنیدن بازخورد از سوی معلم هم البته برای دانش‌آموز اهمیت دارد به این دلیل که بازخورد و واکنش، دو جزء اساسی یادگیری هستند. در کتاب راهنمای مدرسان توانا این مسئله با جزئیات بیش‌تری بررسی شده است که شما را دعوت می‌کنیم آن را مطالعه کنید.

معلمان می‌توانند سوال‌هایی که در کتاب راهنمای مدرسان توانا آمده را به دانش‌آموزان آموزش بدهند که آن‌ها را از یکدیگر هم پرسند. سوال‌هایی مانند این که: «چرا این‌طور فکر می‌کنی؟» یا «چطور به این نتیجه رسیدی؟».

کار گروهی

عنصر کلیدی بعدی در فراگیری گروهی، کار گروهی است. همان‌طور که گفتیم، کار اثربخش گروهی یکی از نتایج رواج‌داشتن تفکر مبتنی بر دموکراسی در جامعه است. برای این که کار گروهی اثربخش را به دانش‌آموزان آموزش دهیم، می‌بایست به مواردی که در ادامه می‌آید، توجه کنیم و بر اساس اصول یک اجتماع دموکراسی محور، آن‌ها را پیاده کنیم. این موارد عبارتند از:

- هدایت کردن
- تصمیم‌گیری
- هم‌فکری و اجماع
- ارتباطات
- حل تضادها و برخوردها

درباره بیش‌تر این موارد در این بخش و بخش‌های قبل صحبت کردیم. نقش معلم در برقراری یا هدایت موارد بالا بسیار مهم است.

اتکای متقابل مثبت

اتکای متقابل مثبت، سومین عنصر کلیدی است که در فراگیری گروهی نقش اساسی بازی می‌کند. معنی این عبارت این است که همه اعضا یک گروه در پیشبرد کار آن، موثر و مهم هستند. به عبارت دیگر یک گروه یا یک اجتماع و یک جامعه برای موفقیت نیاز به تلاش همه اعضایش دارد.

فراگیری گروهی به شیوه دموکراتیک

در کتاب «آموزش مدرسان» درباره فراگیری کار گروهی در کلاس بحث شده است. ما در این قسمت نکاتی را به آن بحث اضافه می‌کنیم تا روشن شود که چگونه و چرا این فراگیری کار گروهی باید به شیوه دموکراتیک انجام بگیرد.

یکی از پیشنهادها کتاب «آموزش مدرسان» طراحی تکالیف گروهی به منظور

بیش تر کردن کار گروهی است. یکی از اقداماتی که می‌تواند شکلی دموکراتیک به این فعالیت‌ها بدهد، این است که دانش‌آموزان را به طور متناوب از یک گروه به گروه دیگر منتقل کنیم. تا نه تنها آن‌ها با عقاید گوناگون آشنا شوند و ببینند که نگاه به مسائل می‌تواند از زوایای گوناگون انجام بگیرد، بلکه بتوانند مهارت‌های اجتماعی و شخصی‌شان را در کار کردن با افرادی با شخصیت‌های گوناگون توسعه دهند؛ افرادی که از نظر فردی و از نظر خاستگاه اجتماعی متفاوت هستند. نظارت معلم بر این فعالیت‌ها بسیار مهم و ضروری است تا همه دانش‌آموزان متناسب با ویژگی‌هایشان، از فرصت یادگیری برابر بهره ببرند. پیشنهاد بعدی کتاب این است که برای گسترش «اتکای متقابل»، معلم فعالیت‌های رقابتی متنوعی را برحسب طیف علاقه و نیازهای گروه‌های گوناگون دانش‌آموزان طراحی کند تا آن‌ها تشویق شوند که پس از انتخاب از میان دو یا سه فعالیت رقابتی، در گروه‌های دو یا سه نفره با هم به فعالیت بپردازند. باز هم نظارت معلم برای جلوگیری از به حاشیه رانده شدن دانش‌آموزان بسیار مهم است. به حاشیه رانده شدن، الزاما به این معنی نیست که دانش‌آموزی که قوی‌تر است، با قلدری این کار را می‌کند بلکه عوامل متفاوتی هستند که می‌توانند منجر به تبعیض و به حاشیه رانده شدن دانش‌آموزان شوند. مثلا این که شیوه‌های گوناگون یادگیری پیاده نشود؛ این که تلاش برخی از دانش‌آموزان نادیده گرفته شود؛ این که به برخی از دانش‌آموزان اهمیت داده نشود؛ این که حضور برخی در پیشرفت کارهای گروهی، عادی جلوه داده شود و در عین حال نسبت به عدم مشارکت دیگر دانش‌آموزان بی‌تفاوتی نشان داده شود یا این که به خاستگاه‌های اجتماعی گروه‌های به حاشیه رانده شده توجه نشود، تا جایی که به برخی از دانش‌آموزانی که از آن خاستگاه‌ها می‌آیند، پرداخته نشود.

اما نمونه‌هایی از گروه‌های به حاشیه رانده شده عبارتند از دانش‌آموزانی که اهل آن شهر نیستند و مهاجرند؛ دانش‌آموزانی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند؛ دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان از اقلیت‌های دینی یا زبانی هستند؛ دانش‌آموزان نوجوانی که گرایش‌های جنسی متفاوت از هنجارهای تعریف شده در خودشان یافته‌اند یا دانش‌آموزانی که در خانواده‌های تک‌والد یا خانواده‌هایی با حضور پدرخوانده و مادرخوانده یا برادر و خواهرخوانده زندگی می‌کنند. این‌ها البته تنها مثال‌هایی از هویت‌ها یا خاستگاه‌هایی است که ممکن است گروهی از دانش‌آموزان را به حاشیه براند.

بخش هفتم

به هفتمین بخش از دوره تدریس دموکراسی رسیدیم. پرواضح است که بسیاری از ما به عنوان شهروند، حتی پیش از این دوره، در مواقع بسیاری به دموکراسی و مفاهیم حول آن توجه می‌کنیم. اما این دوره به گونه‌ای طراحی شده که برخی مفاهیم جدیدتر، که توسط پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی بازنگری به‌روز یا ایجاد شده است، را هم در خود بگنجانند. چراکه دموکراسی همچون هر مفهوم اجتماعی دیگری یک مفهوم پویا و در حال تغییر است. به غیر از آن جوامع انسانی هم بر اثر بسیاری از عوامل، مانند ورود نسل جدید به جامعه، پیشرفت علم و فناوری، زیرسوال رفتن سنت‌ها و هنجارها و بسیاری از عوامل دیگر دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. به همین دلیل هم هست که وقتی امروز، برخی از مفاهیم دموکراسی را با تعاریف آن‌ها در گذشته مقایسه می‌کنیم، متوجه تحلیل‌های جزئی‌تری یا به تعبیر استعاری، متوجه عینک‌های جدیدی می‌شویم که امروز در نگاه به مفاهیم مرتبط با علوم انسانی موثر است.

یکی از این عینک‌ها، عدالت اجتماعی است. امروزه در نظر بسیاری از پژوهشگران و کنشگران اجتماعی و سیاسی، عدالت اجتماعی در پیوند بسیار محکمی با مفهوم دموکراسی قرار دارد و یکی بدون دیگری نمی‌تواند برای مبارزه با تبعیض‌های نظام‌مند کارآمد و کافی باشد. عدالت اجتماعی زمانی که با دموکراسی پیوند می‌خورد، به معنی «دموکراسی برای همه» است. یا به قول برخی از جنبش‌های اجتماعی تا زمانی که همه از آزادی برخوردار نباشند، هیچ فردی آزاد نخواهد بود. البته این اعتقاد کسانی است که به آن باور دارند. ما هم در طراحی این مجموعه‌ی سه‌دوره‌ای بر همین اساس عمل کردیم

و برای همین هم هست که در طول این سه دوره بر مفاهیمی مثل «حمایتگری»، «حقوق اقلیت» و «بازتولید تبعیض‌های نظام‌مند» تاکید کردیم.

تضاد منافع

یکی دیگر از مفاهیمی که در این دوره به آن پرداختیم، تضاد منافع و اهمیت پرداختن به آن به جای نادیده گرفتنش بوده است. همان‌طور که گفته شد، تضاد منافع به همان اندازه که دموکراسی را به چالش می‌کشد، یکی از الزامات دموکراسی است. یکی از مواقعی که تضاد منافع، خودش را در جامعه نشان می‌دهد، زمانی است که جامعه دارد تصمیم جمعی می‌گیرد. آن چیزی که این دوره، از پیش کشیدن بحث تضاد منافع در نظر دارد، این است که وقتی طی تبادل آرا و بحث و گفت‌وگوها، تضاد منافع پیش می‌آید، بهتر است که آن را نقطه شروعی قرار دهیم برای این که اعضای جامعه بتوانند با دیدگاه و استدلال گروه یا گروه‌های دیگر آشنا شوند و درک بهتری از یکدیگر پیدا کنند. کلاس درس هم به عنوان یک جامعه کوچک، چیزی جدا از جامعه بزرگ‌تر نیست.

برخی از پژوهشگران و فعالان حوزه آموزش بر این باورند که پذیرش تضاد منافع و اختلاف رأی از محورهای اصلی آموزش دموکراسی و پیاده کردن دموکراسی در کلاس درس هستند. وقتی دانش‌آموزانی که با هم اختلاف رأی یا تضاد منافع دارند، به هم گوش می‌دهند، با نظرات یکدیگر، استدلال‌ها یا مفاهیمی که آن نظرات را به وجود آورده‌اند، آشنا می‌شوند. پس متوجه می‌شوند که نوع نگاه و استدلال خودشان، تنها نگاه و استدلال موجود و درست نیست و همین‌طور با تحلیل و سنجشگری‌های دیگر هم آشنا می‌شوند. البته «تراما» هم در تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی نقش مهمی دارد که در پایان این بخش به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

یکی از نخستین نکاتی که معلمان می‌توانند موقع به‌وجود آمدن تضاد منافع به دانش‌آموزان آموزش دهند، این است که تفاوت «تضاد منافع» را با «تفاوت دیدگاه» مشخص کنند. گاهی مواقع یک اختلاف ممکن است بر سر دو دیدگاه متفاوت به وجود بیاید و در عمل، آن اختلاف، تضاد منافع نباشد بلکه تنها یک تعصب بر سر دیدگاه یا باور باشد. یک تمرین بسیار ساده که ممکن است به اشکال متفاوت انجام شود، این است که معلم عدد هشت یا هفت را با گچ روی زمین بکشد سپس دو دانش‌آموز را در دو موقعیت مکانی متفاوت طوری قرار دهد که یک دانش‌آموز آن را هشت ببیند و دیگری هفت. سپس از آن‌ها بخواهد که مثلاً از داخل حیاط به تعداد عددی که دیده‌اند، برگ جمع کنند. بعد از آن جای دو دانش‌آموز را عوض کند و اهمیت توجه به تفاوت دیدگاه

را به آن‌ها یادآوری کند. همچنین به آن‌ها متذکر شود که در مواقع زیادی پیش از این که ما بخواهیم به یک اختلاف، شکل رسمی بدهیم، شاید با یک درک متقابل بتوانیم متوجه شویم که آن اختلاف، در حقیقت یک تفاوت دیدگاه است، نه یک تضاد منافع. برای بیش تر به چالش کشیدن، گاهی هم می‌شود به دانش‌آموزان گفت که آن عدد را می‌شود اصلاً نه عدد، که حرف «V» الفبای انگلیسی دید.

در ادامه نگاهی به چند مثال می‌اندازیم که تجربه به وجود آمدن تضاد منافع در کلاس درس را نشان می‌دهد.

آفرینش یا تکامل

در جامعه آمریکا هم بحث میان کسانی که معتقد به آفرینش هستند و کسانی که اعتقاد به تکامل انسان دارند، در جریان است. هر دو گروه هم آزاد هستند که اعتقاداتشان را بیان کنند. بر همین اساس مارک گرزون، کنشگر و مشاور آموزشی، تمرینی که در ادامه می‌آید را به معلم‌های مدارس آمریکا پیشنهاد می‌دهد. معلم دانش‌آموزانش را به گروه‌هایی که ترجیحاً بیش تر از دوازده نفر نباشند، تقسیم می‌کند. موقع تقسیم‌بندی، معلم اطمینان حاصل می‌کند که هر گروه شامل هر دو دسته از دانش‌آموزان خواهد بود. همین‌طور شامل دانش‌آموزانی که یا نظری ندارند یا به گزینه‌های احتمالی دیگری باور دارند. سپس معلم از هر گروه می‌خواهد که بر اساس باورداشتن یا نداشتن به آفرینش یا تکامل، یک برنامه درسی تنظیم کنند. این برنامه درسی می‌بایست مورد توافق همه اعضای گروه باشد و کسی نمی‌بایست به خاطر دیگری از اعتقاداتش بگذرد. علاوه بر دانش‌آموزان، معلم کلاس ممکن است از معلم‌های دیگر، مسئول کتابخانه، والدین یا افراد دیگر هم که در این مورد نظری دارند، دعوت کند که در بحث شرکت کنند.

مشاهداتی که بر اثر انجام این تمرین به وجود آمد، بسیار جالب است. دانش‌آموزان به جای این که روی عقایدشان تعصب به خرج دهند، با بررسی دلایل اعتقادات مختلف دیگران، علاقه بیش تری به درس زیست‌شناسی پیدا کردند. جالب این که این علاقه در هر دو گروه از دانش‌آموزان بیش تر شد و در نتیجه، آن کلاس‌ها دانش‌آموزانی داشتند که در کلاس زیست‌شناسی موفق تر عمل کردند. اما چرا در جامعه بزرگ تر، بزرگسالان به این شکل عمل نمی‌کنند؟ به مثال بعدی که باز هم مارک گرزون می‌زند، دقت کنید.

نمایش در دسرساز: یکی از معلمان درس نمایش در یکی از دبیرستان‌های شهر توسان در ایالت آریزونا، آمریکا، برای اجرای نمایش دانش‌آموزان، متنی را انتخاب می‌کند که بعداً در دسرساز می‌شود. این متن، از نظر مدیر و برخی از والدین حاوی

کلماتی بود که برای دانش‌آموزان مناسب نبود. ولی از دید برخی دیگر از والدین، متن و کلمات مورد اختلاف، مشکلی نداشت. اجرای نمایش اما در نهایت، موجب شد که معلم اخراج شود یا به قولی وادار به استعفا شود. در نتیجه این اخراج، اعتراضاتی در شهر پدیدار شد. در یک سوی این اعتراض کسانی بودند که با نمایشنامه به کار گرفته شده، مشکلی نداشتند و در اعتراض به اخراج معلم، در تناثر مرکزی توسان دست به خواندن نمایشنامه زدند. در میان این گروه، چند هنرپیشه موفق سینما هم بودند. در سوی دیگر، سازمان‌های محافظه‌کار و والدین همسو با آن‌ها و مدیر مدرسه بودند که انتخاب نمایشنامه را رواج ناهنجاری و ترویج به کار بردن الفاظ نامناسب می‌دانستند. زمانی که این رفتار بزرگسالان جامعه را در کنار رفتار دانش‌آموزان در مثال قبلی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که چطور مدیریت درست اختلاف آراء، می‌توانست اجازه دهد که هر گروه پیش از تصمیم گرفتن، از دیدگاه گروه دیگر اطلاع پیدا کند و حتی در نهایت، شنیدن انتقادات، می‌توانست باعث شود افراد هر دو گروه علاقه بیش‌تری به مقوله نمایش پیدا کنند. اما تعصب و عدم علاقه به یادگیری، که برعکسش را در ویژگی‌های نوجوانان دیدیم، باعث شد که این اتفاق نیفتد.

مارک گرزون عقیده دارد زمانی که چنین اختلافاتی پیش می‌آید، یکی از ابزارهایی که می‌تواند تضاد منافع را تبدیل به یکی از مواد آموزشی کند، دعوت از سخنرانان خارج از مدرسه است برای مناظره در مورد اختلاف پیش آمده. یعنی نوجوان را که ذهنی علاقه‌مند به یادگیری و در عین حال هنوز دور از تعصب دارد، در معرض دیدگاه‌های گوناگون قرار دهیم تا آن‌ها متوجه تکثر عقاید بشوند.

اکنون از شما می‌خواهیم که به یک تمرین که امکان اجرا کردن در کلاس دارد، فکر کنید و بر اساس آن یک فعالیت برای دانش‌آموزان آماده کنید.

آسیب‌های روحی (تراما)

اشاره‌ای کوتاه کنیم به مفهوم آسیب روحی یا همان تراما و اهمیت آن در آموزش و تاثیرش بر داشتن کلاسی دموکراتیک. تراما، واکنشی حسی به وقایع ناخوشایند، مثل جنگ، تصادف، یا تجاوز است. در مورد بسیاری از این وقایع، واکنش کوتاه‌مدت به آن، شوک و انکار است. واکنش بلندمدت اما شامل بروز احساسات پیش‌بینی‌نشده، بازگشت به گذشته، داشتن روابط پرتنش در زندگی و حتی علائم جسمی مثل سردرد یا تهوع می‌شود. برای بسیاری از ما کنار آمدن با ترامای بسیاری از وقایع، امکان‌پذیر است. برخی از ما اما پس از مواجهه با برخی وقایع، دچار تراماهای بسیار بزرگی می‌شویم که

عملا زندگی روزانه و کار آیی مان را مختل می کند. بحث تراما بسیار مهم و البته تخصصی است که نه در مجال این بخش و این دوره می گنجد و نه در حوزه تخصصی آن است. اما چرا ما این بحث را، که مربوط به حوزه های روانشناختی است، اینجا آوردیم؟ به این دلیل که تراما ویژگی است که روی تصمیمات فردی و جمعی اثر می گذارد.

در این دوره، علاوه بر بررسی مفاهیم مرتبط با دمو کراسی، از لزوم هدایت مباحثات به دست معلم بسیار گفته شد و تاکید شد که حواس معلم می بایست به جلوگیری از باز تولید تبعیض های نظام مند باشد. یکی از ویژگی های شخصی که با تراما دست و پنجه نرم می کند، این است که روح شکننده تری نسبت به دیگران دارد و کسی که در جایگاه شکننده تر قرار دارد، احتمال بیشتری دارد که مورد تبعیض قرار بگیرد و جلو این اتفاق را گرفتن، بر عهده معلمی است که می خواهد کلاس درسش بر بستر دمو کراسی اداره شود. بحث تراما را جدی بگیریم و با کسب دانش درباره آن، خودمان را هر چه بیش تر مجهز کنیم تا اجازه باز تولید تبعیض را در کلاس درسمان ندهیم.

همان طور که بارها گفتیم، تمامی مفاهیمی که ارائه شد، به اصطلاح مشتق بود نمونه خروار. به این معنی که هر کدام از این مفاهیم بسیار گسترده هستند و ما مجبور هستیم که تنها به معرفی این مفاهیم و ارتباطشان با آموزش و دمو کراسی بپردازیم تا این دوره در زمان محدود، بیش ترین کارایی را داشته باشد.

بخش هشتم

دوره تدریس دموکراسی، همراه با دو دوره «دموکراسی در کلاس درس» و «حمایت از آموزش لیبرال برای ایران» تشکیل دهنده مجموعه «دموکراسی و آموزش» است. این مجموعه با این هدف طراحی شده است که مفاهیم مرتبط با دموکراسی را وارد کلاس درس کند تا دانش آموزان خردسال و نوجوانی که هنوز اذهانشان در حال شکل گیری است هم با این مفاهیم آشنا شوند و هم به کارگرفتن شیوه‌های دموکراتیک را در اداره کلاس ببینند تا نقش خودشان را هم در یک دموکراسی یاد بگیرند. همان‌طور که در بخش‌های گوناگون این مجموعه گفتیم، نظام آموزش و پرورش در ایران، اساساً به مفاهیم مرتبط با دموکراسی نمی‌پردازد. علاوه بر آن شرایطی را هم به وجود آورده است که معلمان به راحتی نمی‌توانند این مفاهیم را وارد کلاس درس کنند. به همین دلیل آموزشکده توانا در این مجموعه قصد دارد علاوه بر آشنا کردن معلمان با مفاهیم مرتبط با دموکراسی، مثال‌هایی کوچک از چگونگی آوردن این مطالب به کلاس درس ارائه دهد تا مورد استفاده معلم‌هایی قرار بگیرد که می‌خواهند اذهان مشتاق به یادگیری کودکان و نوجوانان را با این مفاهیم آشنا کنند.

مرور دوره تدریس دموکراسی

در این قسمت با هم نگاهی می‌کنیم به آنچه در دوره تدریس دموکراسی گذشت. در بخش اول، نگاهی به خود مفهوم دموکراسی و عناصر تشکیل دهنده آن کردیم. گفتیم که دموکراسی مفهومی بسیار گسترده و البته سیال است که زمان محدود ما در این دوره‌ها

اجازه نمی‌دهد تا به همه ابعاد آن پردازیم. از جمله عناصری که در این دوره مورد تاکید قرار گرفت، «تکنرگرافی» بود. در بخش‌های گوناگون دوره به این عنصر مهم و کلیدی در کلاس‌های درس در ایران پرداخته شد. یکی از مطالبی که در این مورد طرح شد، اهمیت «دفاع از حقوق اقلیت‌ها» بود. گفته شد افرادی که از گروه‌های اقلیت تحت تبعیض در جامعه ایران می‌آیند - مثل اقلیت‌های دینی، قومی، جنسی و جنسیتی - در کلاس درس هنگام فعالیت‌های گروهی مرتبط با تدریس دموکراسی، احتمالاً با تبعیض روبه‌رو می‌شوند. در این شرایط معلم می‌تواند با نظارت بر این فعالیت‌ها، از بازتولید این تبعیض‌ها جلوگیری کند. البته لازمه این توانایی، آشنایی با ساز و کارهای مربوطه است. در قسمتی دیگر از بخش اول صحبت حول منافع شخصی و جمعی بود. با اشاره به تحقیقی که در کشور هلند صورت گرفته بود، بر ضرورت آموزش اهمیت منافع جمعی به دانش‌آموزان تاکید شد. در ادامه با نگاهی به نظام آموزشی کانادا، درباره اهمیت تمرین دموکراسی برای دانش‌آموزان بحث شد. در طراحی این دوره، روندی متفاوت از دو دوره پیشین پیش گرفته شد؛ به این شکل که بخش‌های دوم، چهارم و ششم بیش‌تر به مفاهیم اختصاص پیدا کردند و بخش‌های سوم، پنجم و هفتم بیش‌تر حول مثال‌ها و بررسی موردی برخی کتاب‌های درسی گذشت. یکی از نکات مهم که در این دوره بررسی شد، ویژگی ذهن نوجوانان در آموزش بود. بر همین اساس، بررسی کردیم که چرا تدریس دموکراسی در مدارس برای ساختن جامعه‌ای دموکراتیک ضروری است. در ادامه نگاهی شد به آوردن دموکراسی به کلاس درس به عنوان یکی از مواد آموزشی. بر اساس کتاب «آموزش مدرسان» نگاهی هم انداختیم به برنامه‌ریزی برای تدریس دموکراسی. البته در پرداختن به این مباحث و مفاهیم، شرایط و محدودیت‌های نظام آموزش و پرورش در ایران و امنیت معلم و دانش‌آموز، همواره مورد نظر این دوره بود. ورود دموکراسی به کلاس درس به عنوان یکی از مواد آموزشی، بعد از برنامه‌ریزی، نیاز به پیاده‌شدن دارد. پس در بخش دوم نگاهی انداختیم به برخی فعالیت‌ها و شکل انجام‌دادن آن‌ها. بحث‌های گروهی، تمرین‌های گروهی، اجازه ارائه مطالب به دانش‌آموزان به شکل صحیح که همراه با سنجشگری باشد، نظارت بر فعالیت‌های گروهی با هدف آموزش درست دموکراسی و جلوگیری از بازتولید جریان‌های تبعیض‌آمیز، همه از مباحثی بود که تحت این عنوان بررسی شد. در ادامه بررسی مفاهیم، نگاهی انداختیم به تعریف کلاس دموکراتیک و مرجع‌مان را نیز کتاب «آموزش مدرسان» قرار دادیم. سپس در همین راستا، به مسئله مهم مشارکت پرداختیم. گفتیم که مشارکت جزئی جدانشدنی از تمرین دموکراسی است. درباره فراگیری فعال هم مطالبی گفته شد و ارتباطش با تدریس

دموکراسی مورد بررسی قرار گرفت. سپس به بخشی از فرآیند یادگیری پرداخته شد. در این زمینه به گوناگونی منابع یادگیری و گاه تضاد آن‌ها نیز اشاره کردیم. به این موضوع هم پرداختیم که بخشی از فرآیند یادگیری مفاهیم جدید، توجه به فرآیند تغییر معنای قدیمی آن‌ها است. این مهم البته بدون پیاده کردن سنجشگری اصولی و تحلیل و تفکر انتقادی اثربخش نیست.

ارتباط ایدئولوژی و دموکراسی هم مسئله دیگری بود که به آن پرداخته شد. در این مورد، دوره تدریس دموکراسی نگاهی کرد به تعریف ایدئولوژی و نمود پیدا کردن آن در زندگی افراد جامعه و آموزش و با پیوند این بحث به «تکثر هویتی» و «تکثر آراء»، نگاهی به یکی از کتاب‌های درسی انداختیم و تناقض موجود در کتاب را با یکی از اصول مهم دموکراسی نشان دادیم. شیوه‌های یادگیری متفاوت در افراد هم موضوعی بود که در این دوره به آن پرداخته شد. گفته شد که افراد، به شیوه‌های گوناگون یاد می‌گیرند و یک کلاس دموکراتیک باید به تمام این شیوه‌ها دقت داشته باشد تا بتواند ضمن توجه به همه، لزوم این نادیده‌نگرفتن را به دانش‌آموزان یادآوری کند. از این بحث، رسیدیم به بحث دانش‌آموزانی که نیازهای ویژه دارند. گفتیم که معلم می‌بایست به این نیازها توجه زیادی کند. سپس به مفهوم فراگیری گروهی پرداخته شد. با ارجاع به کتاب «آموزش مدرسان» و به کارگرفتن مباحث این کتاب در مورد فراگیری گروهی، راجع به شیوه‌های دموکراتیک در فعالیت‌های گروهی نیز صحبت کردیم. همین‌طور مثال‌هایی درباره چگونگی دموکراتیک کردن این فعالیت‌ها زده شد تا معلمان بدانند که هنگام این فعالیت‌ها، چطور ممکن است جریان‌های تبعیض آمیز باز تولید شوند.

یکی از عناصر اصلی هر کار گروهی، ارتباط داشتن اعضای گروه با هم و شنیدن حرف و استدلال‌های یکدیگر است. یکی از الزامات برای دست‌پیدا کردن به یک کار گروهی اثربخش، به یادداشتن اصولی است که در بخش ششم مورد بحث قرار گرفت. طی این دوره چند درس از چند کتاب درسی رسمی ایران، به عنوان نمونه بررسی شد. این بررسی به روش سنجشگری انجام گرفت تا بتوانیم فاصله داشتن این دروس از اصول دموکراسی یا تفکر انتقادی را بررسی و ثابت کنیم. شاید موقع تحلیل این تناقضات، به ذهن شما رسیده باشد که «آفتاب آمد دلیل آفتاب». یعنی آن‌قدر این تناقض‌ها واضح است که نیاز به تحلیل ندارد. اما ما در این دوره بر این باور هستیم که عیان‌ترین تناقض‌ها را هم باید تحلیل کنیم. به این دلیل که طی این تحلیل است که خودمان و دیگری را می‌شنویم. ضمناً به دانش‌آموزان نیز آموزش می‌دهیم که تحلیل کردن و نگاه انتقادی داشتن به مفاهیم اجتماعی تا چه حد ضروری است.

دانشجویان عزیز! امیدوار هستیم که این دوره، دریچه هرچند کوچکی را برای آشنایی همه ما با مفاهیم نوین مرتبط با دموکراسی، باز کرده باشد. نباید فراموش کنیم که دموکراسی بستری پویا و البته چالش برانگیز برای زندگی افراد جامعه است. پویا بودن دموکراسی است که آن را تا جایی گسترش می‌دهد که برای برخی افراد، با عدالت اجتماعی پیوند محکمی می‌خورد و بدون آن معنایی ندارد. هدف این دوره هم تاکید روی همین پیوند و مدل‌سازی دموکراسی بوده است. به عقیده طراحان این دوره، یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر آموزش و پرورش امروزی، می‌بایست یاد دادن و یاد گرفتن این مطلب باشد که جوامع دموکراتیک، جوامعی قدرتمند هستند و یکی از رموز قدرتشان هم، تکثر موجود در آنهاست. تکثر هویتی، تکثر آراء، تکثر دیدگاه‌ها و غیره.

دوری جستن از تفاوت‌ها و تلاش برای از بین بردن آن‌ها به جای توجه به آن‌ها، به هر بهانه‌ای که در مدارس صورت بگیرد، به معنی انتقال ارزش‌های نسلی به نسل دیگر، بدون سنجشگری و تحلیل است. این دوری جستن به جوان‌ترها می‌گوید که ما به قدرت آن‌ها در تعامل با تکثر موجود در جوامع، اعتماد نداریم. همین‌طور به آن‌ها می‌گوید که ما بزرگسالان بلد نیستیم چطور با تفاوت‌ها و اختلافات کنار بیاییم و در تصمیم‌گیری‌هایمان همه عقاید و آراء را در نظر بگیریم. پس از بروز اختلاف منافع و تضاد آراء، می‌بایست بدانیم که آن‌ها را چطور بررسی کنیم، یعنی تا چه حد، با چه شتابی، با چه روشی و با کدام دسته از شرکت‌کنندگان.

می‌توانیم این سوال‌ها را از خودمان بپرسیم:

- آیا می‌شود «تضاد منافع» را به عنوان یک ماده درسی، مستقیماً وارد آموزش کنیم؟
- یا این که می‌بایست به عنوان بخشی از فعالیت‌های جمعی آن را در نظر بگیریم و غیرمستقیم به آن بپردازیم؟
- چه کسی صلاحیت انتخاب دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیت‌های گروهی را دارد؟
- چطور باید با دیدگاه‌های گروه‌های اقلیت برخورد کرد و تاثیر رأی جمعی بر منافع آن‌ها چیست؟
- تکلیف معلم در برابر قانون و عرف و سنت‌های منطقه‌ای چیست؟

این‌ها پرسش‌های پیچیده‌ای هستند که پاسخ دادن به آن‌ها آسان نیست، اما معلم می‌بایست هنگام به وجود آمدن تضاد منافع و اختلاف آراء از خودش بپرسد. یکی از پیشنهادها این دوره این است که معلمان گرامی خودشان را به مهارت

حل تعارض مجهز کنند. برای رسیدن به چنین مهارتی و همین‌طور برای آماده‌سازی بستر کلاس و جامعه برای پذیرش دموکراسی، شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی وجود دارد. اما اصول تدریس دموکراسی کمابیش یکسان است. به این شکل که مدل ساختن دموکراسی در مدرسه به شیوه‌ای است که در جامعه اتفاق می‌افتد. مدارا و تحمل، احترام و عزم یادگرفتن از یکدیگر، ارزش‌هایی هستند که در جوامع دموکراتیک وجود دارند و لازم است که در کلاس درس دموکراتیک هم به وجود آیند. برای آماده‌سازی بستر دموکراسی در جامعه، چه جایی مهم‌تر از کلاس درس؟

منابع

- آمار مدارس استثنایی کشور، منتشر شده توسط سازمان مدارس استثنایی کشور
- آموزش مدرسان، راهنمای مرجع و تمرین، آموزشکده توانا
- [Center for Civic Education](#)
- ["How to Achieve a Democratic Culture in Schools"](#), The European Union and the Council of Europe
- ["Essential Elements of Education for Democracy: What Are They and Why Should They Be at the Core of the Curriculum in Schools?"](#), John J. Patrick
- ["Active Learning: An Introduction"](#), Richard M. Felder & Rebecca Brent
- ["Adolescent Participation in Structured and Unstructured Activities: A Person-oriented Analysis"](#), By W. Todd Bartko & Jacquelynne S. Eccles
- ["Adolescent Psychological Development: A Review"](#), Eric Hazen, Steven Schlozman and Eugene Beresin
- ["Implementing a Democratic Pedagogy in the Classroom: Putting Dewey into Practice"](#), Sheryl MacMath
- ["Democracy Always Comes First: Adolescents' Views on Decision-making in Everyday Life and Political Democracy"](#), Hesse Nieuwelink, Paul Dekker, Femke Geihsel & Geert ten Dam
- ["Social Studies Kindergarten to Grade 12 - Program Rationale and Philosophy"](#), Alberta Education

